

بررسی نیازها، علایق و اولویتهای دختران نوجوان شهر تهران^۱

جعفر هزارجریبی *

محمد سیدغراب **

صابر جعفری کافی آباد ***

سیدمهدی دبستانی ****

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۱۷

چکیده

با تغییرات اجتماعی گسترده‌ای که ایران در سال‌های اخیر تجربه کرده است نقش، نگرش و انتظارات دختران و زنان نیز دستخوش جدی‌ترین چالش‌های اجتماعی شده است. حضور بی‌سابقه دختران و زنان در عرصه‌های اجتماعی،

۱- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «نیازسنجی دختران نوجوان ۹ تا ۱۸ سال شهر تهران» می‌باشد که به سفارش موسسه «نشر اندیشه کاظمیون» انجام پذیرفته است. نتایج این تحقیق، مبنای مرحله مخاطب‌شناسی پروژه ساخت بازی رایانه‌ای با نام «آناشید» در ژانر «سبک زندگی» قرار گرفته است.

Jafar_hezar@yahoo.com

* استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

seyed466@yahoo.com

** کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

saberjafari65@gmail.com

*** کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

mahdi.dabestani@gmail.com

**** دانشجوی دکتری رشته ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی.

سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نشان‌دهنده این مهم می‌باشد. به نظر می‌رسد که برنامه‌های اجتماعی که با توجه به این شرایط ویژه تدوین می‌گردند بدلیل عدم‌آشنایی کافی با گروه هدف خود، سنخیت لازم را با مخاطبین خود ندارند. هدف این پژوهش ارائه تصویری از نیازهای اساسی، اولویت‌ها و علایق دختران دانش‌آموز ۹ تا ۱۸ سال ساکن شهر تهران می‌باشد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نیاز به اعتماد عمومی و اعتماد نهادی بالاترین اهمیت و اولویت را برای دختران نوجوان ساکن شهر تهران دارا می‌باشند. از میان نیازهای فردی-روانی اصلی مشخص شده در مطالعات اکتشافی، نیاز به مورد محبت واقع شدن، موفقیت و محبت کردن به ترتیب سه اولویت اصلی نیازهای فردی-روانی دختران را تشکیل می‌دهند. از میان انواع موسیقی، نوجوانان موسیقی پاپ را ترجیح می‌دهند. گردش با دوستان به روش‌های دیگر گذران اوقات فراغت اولویت دارد و فیلم‌های کمدی و شاد برای آنها اولویت دارد. پایگاه اقتصادی خانواده با تعداد کمتری از نیازهای نوجوانان دختر رابطه معنادار دارد. سرمایه فرهنگی و سن (مقطع تحصیلی) به ترتیب روابط معنادار بیشتری را نشان می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: دختران، نیازها، اولویت‌ها، علایق، سن، سرمایه

فرهنگی، پایگاه اقتصادی خانواده

طرح مساله

در کشور ما، یکی از اساسی‌ترین انتقادهای وارد بر تدوین برنامه‌هایی که مخاطب آنان را دختران و زنان تشکیل می‌دهند این مطلب است که عموماً این‌گونه برنامه‌ها سنخیت لازم را با گروه هدف و مخاطبین خود ندارند. چنین برنامه‌هایی یا با یک نوع تلقی پیشینی که چندان با واقعیت انطباق ندارد، تنظیم می‌گردند یا از آن جامعیتی که دست کم اساسی‌ترین مؤلفه‌های مورد نظر مخاطبین را پوشش داده باشند، برخوردار نیستند. این امر می‌تواند ناشی از اصرار بر کاربست الگوهای پیشین و سنتی در شرایط جدید و

یا نگاه تک بعدی باشد که در آن اقتضائات و مطالبات حقیقی زنان و دختران لحاظ نگردیده است. این در حالی است که در جامعه ما به لحاظ دینی و حتی پشتوانه‌های هنجاری در حوزه پرداختن و پاسخگویی به حقوق و نیازهای زنان، می‌توان بالاترین ظرفیت‌ها را یافت.

در کشوری مانند ایران، که در سده اخیر تغییرات و تکانه‌های بسیار شدیدی را در ساختارهای اجتماعی خود پشت سر گذاشته، می‌توان انتظار تحولات و تحرکات اجتماعی شگرفی را در سطوح و اقشار گوناگون داشت. جایگاه، نقش‌ها، انتظارات، نگرش‌ها، حقوق و ... دختران و زنان یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی بوده است که دستخوش جدی‌ترین چالش‌های اجتماعی گردیده است؛ پس در جامعه‌ای با تغییرات اجتماعی بالا مانند ایران، داشتن درک مطابق با واقع از این بخش مهم از جامعه در هر دوره، مستلزم مطالعاتی می‌باشد که ضمن دقت و کاربردی بودن، بتوانند جابجایی و تحولات اولویت‌ها و اقتضائات جدید مخصوص آن دوره را به‌طور روشن و شفاف مورد بررسی قرار دهند. چنین مطالعاتی می‌توانند مبنایی برای تدوین الگوهای برنامه‌ریزی متناسب با هر دوره قرار گیرند. بی‌توجهی به این امر می‌تواند اعتبار نتایج هر پژوهش، برنامه‌ریزی اجتماعی و سیاست‌گذاری را مخدوش و با مشکلات جدی مواجه سازد. همچنین، درک درست از این بخش بزرگ اجتماع و عمل مطابق با آن می‌تواند موجب موفقیت‌های چشم‌گیری در این زمینه گردد.

بالا رفتن بی‌سابقه حضور دختران و زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از جمله بخش آموزش در سطوح گوناگون مقدماتی، متوسطه و به‌ویژه عالی (دانشگاه‌ها)، مشارکت جدی در بازار کار، درگیری پررنگ‌تر در رویه‌های سیاسی و ... که به‌طور کلی فضای اجتماعی شدن زنان و دختران را با تغییرات جدی مواجه ساخته است، موجب شده که همگام با این تغییرات، نیازها و ذائقه‌های فردی و اجتماعی این بخش نیز دستخوش تغییراتی شوند. شناسایی درست و نظام‌مند این نیازهای جدید یا به تعبیری صورت‌های جدیدی که نیازهای این بخش

مهم از جامعه به خود می‌گیرند، اولین و مهم‌ترین مرحله مدیریت پاسخگویی به آن‌هاست.

این پژوهش درصدد بررسی اصلی‌ترین نیازهای دختران دانش‌آموز ۹ تا ۱۸ سال ساکن شهر تهران، دستیابی به اولویت‌بندی آنها و در نهایت بازتاب این نیازها و مطالبات در شکل‌گیری علایق آنان می‌باشد. این مهم می‌تواند زمینه بسیار مناسبی را برای برنامه‌ریزی‌های آموزشی و اجتماعی- فرهنگی در این عرصه فراهم آورد ضمن اینکه دستاوردهای علمی این بررسی می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای مطالعات آسیب‌شناختی بعدی در این زمینه قرار گیرد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

جایگاه ویژه شهر تهران در کشوری مانند ایران، و شرایط فرهنگی- اجتماعی ویژه‌ای که در این شهر وجود دارد، موجب شده که دختران ساکن شهر تهران در مقایسه با هم‌تایان خود در سایر شهرها در برخی از حوزه‌های اجتماعی و حتی خانوادگی و فردی، در معرض جامعه‌پذیری متفاوتی قرار گرفته و فضای فکری و روانی خاصی را تجربه کنند. به جرات می‌توان گفت در بیشتر عرصه‌های اجتماعی، جدیدترین، متنوع‌ترین و گسترده‌ترین امواج تغییرات و حتی امکانات موجود برای انطباق‌پذیری با این تغییرات را، چه در صورت بهنجار و چه نابهنجار آن، می‌توان در این شهر بزرگ مشاهده کرد. دختران نوجوان تهرانی نیز نه تنها از پیامدهای اجتماعی این شرایط ویژه فرهنگی- اجتماعی مبرا نیستند، بلکه خود به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اقشار جامعه، از حاملان و ناقلان مهم و تاثیرگذار این جریان‌های اجتماعی به‌شمار می‌آیند.

آشنایی با فضای روانی، نیازها و مطالبات اجتماعی این قشر، به‌عنوان افرادی که قرار است بخش اعظمی از آنان در کمتر از یک دهه مسئولیت‌های بسیار مهم «مادری» و «همسری» را بر عهده گیرند، می‌تواند در تشخیص سمت و سوی جریان فرهنگی حاضر و متعلق به این قشر و ترسیم مؤلفه‌های احتمالی عرصه‌هایی که آنان در آینده در

آنها حضور خواهند داشت، نقش به‌سزایی داشته باشد. مادران امروز، دختران نوجوان دهه‌های پیشین می‌باشند که ساختارهای گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و نوع تعامل آنان با این ساختارها در قالب نهادهایی چون خانواده، نهادهای آموزشی و ... وضعیت و جایگاه کنونی آنان را در جامعه تعیین کرده است. اما به‌نظر می‌رسد که روز به روز نقش و عاملیت این قشر در رقم خوردن سرنوشت آتی خود در مقایسه با ساختارهای کهن، پررنگ‌تر خواهد بود و وضعیت موجود نیز حاکی از آن است که زنان در پشت سر گذاشتن موانع ساختاری موجود و برای دستیابی به تعاریف متفاوت، و نه لزوماً تجدیدی، از جایگاه خود، روز به روز موفق‌تر از پیش بوده و خواهند بود.

آنچه مسلم است این است که خلاء و ضعف نهادهای لازم در اصلاح و تنقیح سنت‌های نادرست و اجحاف‌های تاریخی در حق زنان و دختران و همچنین عدم کارآمدی ساختارهای فرهنگی موجود در احیاء، استخراج، معرفی و انتقال سنت‌ها و ارزش‌های اصیل و موافق فطرت زنان و دختران، عرصه بسیار گسترده‌ای را برای جایگزین‌های فرهنگی غیربومی و ناکارآمد فراهم آورده است که در بسیاری از موارد به‌دلیل بی‌ریشگی و در نظر نگرفتن زمینه‌های فرهنگی و تاریخی موجود، موجب هدر رفتن سرمایه عظیم انسانی شده و آسیب‌های بسیار جدی بر جامعه وارد آورده‌اند. مقاله موجود را می‌توان گامی در راستای روشن‌تر شدن وضعیت موجود در مورد دختران دانش‌آموز ساکن شهر تهران دانست. با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان اهداف این پژوهش را به‌صورت زیر خلاصه نمود:

هدف پژوهش

در یک نگاه کاربردی، هدف این پژوهش روشن‌ساختن بافت علایق و نیازهای مخاطبان یک بازی رایانه‌ای در یک ژانر خاص (سبک زندگی) و عوامل زمینه‌ای

تاثیرگذار بر آن می‌باشد. این نوع از بازی رایانه‌ای در مقایسه با ژانرهای چون بازی‌های هیجانی، ترسناک، مرموز و... از سیر خطی مشخصی برخوردار نیست و صرفاً خود بازی‌کننده است که با توجه به سرمایه‌هایی که در اختیار دارد اقدام به خلق موقعیت‌ها و روایات داستانی در بازی می‌کند. در این سبک از بازی نویسنده مسیرهای گوناگون سناریو (بازی‌نامه نویس) نمی‌تواند با استفاده از تکنیک‌های گوناگون در جذب بازی‌کننده تاثیرگذار باشد و این فقط طراحی موقعیت‌های مناسب است که می‌تواند زمینه‌ای را فراهم آورد تا درگیری و همنوایی بازی‌کننده را به حداکثر برساند. فضا باید به گونه‌ای طراحی گردد که بازی‌کننده بتواند برای علایق و نیازهای خود پاسخ‌هایی بیابد و البته همین‌جاست که پای اولویت‌ها نیز به میان می‌آید. پس هدف کلی این پژوهش را می‌توان برداشتن گامی در راستای ترسیم بافت کلی علایق، نیازها و اولویت‌های پاسخگویان دختر برای بازتاب هرچه بهتر آن‌ها در بازی مذکور دانست.

سؤالات پژوهش

- (الف) نیازهای اصلی اجتماعی و فردی-روانی دختران نوجوان را چه چیزهایی تشکیل می‌دهند؟
- (ب) علایق دختران نوجوان را چه چیزهایی تشکیل می‌دهند؟
- (ج) دختران نوجوان نیازهای خود را چگونه اولویت‌بندی می‌کنند؟
- (د) آیا متغیرهای زمینه‌ای (سن، پایگاه اقتصادی و سرمایه فرهنگی) رابطه‌ای با نیازهای اجتماعی و فردی-روانی دختران نوجوان ساکن شهر تهران دارند؟ در صورت وجود رابطه، این رابطه به چه صورت می‌باشد؟

فرضیات پژوهش

- (۱) بین متغیر سن پاسخگویان و نیازهای اجتماعی آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- (۲) بین متغیر سن پاسخگویان و نیازهای فردی-روانی آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- (۳) بین متغیر پایگاه اقتصادی خانواده‌ی پاسخگویان و نیازهای اجتماعی آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- (۴) بین متغیر پایگاه اقتصادی خانواده‌ی پاسخگویان و نیازهای فردی-روانی آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- (۵) بین متغیر سرمایه فرهنگی پاسخگویان و نیازهای اجتماعی آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- (۶) بین متغیر سرمایه فرهنگی پاسخگویان و نیازهای فردی-روانی آنان رابطه معناداری وجود دارد.

مروری بر تحقیقات پیشین

مریم رفعت‌جاه، مرجان رشوند و مریم شهیدی‌زندى در پژوهشى با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی فعالیت‌های فراغتی دختران جوان؛ با تأکید بر عوامل آسیب‌شناختی آن»، اولویتهای اوقات فراغت دختران و عوامل موثر در آسیب‌زا شدن اوقات فراغت دختران دانشجوی، را مورد مطالعه قرار داده‌اند. جامعه آماری این تحقیق، دختران جوان دانشجو ۱۸ تا ۲۴ ساله ساکن تهران هستند که در سال تحصیلی ۱۳۸۶ در دانشگاه تهران به تحصیل مشغول بوده‌اند. با توجه به یافته‌های پژوهش، ارزش‌ها و نگرش‌ها، سبک زندگی، نوع مصرف رسانه‌ای و میزان اطلاع خانواده از نحوه گذران اوقات فراغت بیشترین تاثیر را بر نحوه گذران فراغت بر جای می‌گذارند. همچنین تاثیر عوامل

فردی بر سالم بودن یا آسیب‌زا شدن اوقات فراغت به مراتب بیشتر از عوامل خانوادگی مشاهده شد. نتایج موید آن است که امروزه در اجتماعی شدن فرد از تاثیر خانواده کاسته شده و سایر نهادهای اجتماعی از جمله رسانه‌های جمعی بر نگرش و رفتار فرد تاثیر بیشتری می‌گذارند (رفعت‌جاه؛ رشوند و شهیدی‌زندى، ۱۳۸۹: ۷۵).

رحمت‌الله صدیق سروستانی و کرم حبیب‌پور کتابی در پژوهشی با عنوان «بررسی نیازهای اجتماعی، فرهنگی و آموزشی دختران دانش‌آموز سراسر کشور»، نیازهای اجتماعی و فرهنگی و آموزشی دختران نوجوان مقاطع راهنمایی و متوسطه در استان‌های گوناگون کشور را مورد بررسی قرار داده‌اند. نمونه آماری این تحقیق را ۴۵۰۰ نفر از دختران دانش‌آموز مقاطع راهنمایی و متوسطه در مراکز پنج استان تهران، اصفهان، فارس، سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی تشکیل داده‌اند. نتایج مطالعه نشان داد که در مقطع راهنمایی، مهمترین نیازهای اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان دختر به ترتیب: نیاز به امنیت هستی‌شناختی، فلسفه رضایت‌بخش زندگی، برابری و عدالت جنسیتی است و مهمترین نیاز آموزشی آنها نیز شامل ادامه تحصیل، پیامی و تکنولوژی آموزشی می‌باشد. در مقطع متوسطه، مهمترین نیاز اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان شامل نیازهای امنیت هستی‌شناختی، برابری و عدالت جنسیتی، و نیاز به فلسفه رضایت‌بخش از زندگی، و مهمترین نیازهای آموزشی آنها ادامه تحصیل، پیامی و تکنولوژی آموزشی بوده‌اند. مهمترین نیازهای آموزشی، اجتماعی و فرهنگی دختران با آنچه در مورد دختران مقطع راهنمایی بدست آمده، یکی بوده، جز آنکه در ترتیب نیازهای اجتماعی و فرهنگی آنها، جای فلسفه رضایت‌بخش زندگی و امنیت هستی‌شناختی عوض شده است (صدیق سروستانی؛ حبیب‌پور کتابی، ۱۳۸۶: ۵۶).

فریده حمیدی در پژوهشی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای نیازهای جسمانی، عاطفی، اجتماعی و مذهبی نوجوانان مناطق محروم براساس جنسیت»، در پی شناسایی نیازهای نوجوانان مناطق محروم از منظر خود نوجوانان برای برنامه‌ریزی و طراحی خدمات مناسب‌تر در اردوهای تابستانی برای گذران اوقات فراغت است. این تحقیق با استفاده

از روش پیمایش صورت پذیرفته است. جامعه آماری این پژوهش دختران و پسران دوره راهنمایی و تعدادی از دانش‌آموزان دبیرستانی استان‌های مناطق محروم هستند که در اردوهای بنیاد مستضعفان شرکت کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که اولویت نیازهای دانش‌آموزان عبارتند از: رفتن به مدرسه، روابط گرم و صمیمی در بین اعضای خانواده، نیاز به اعتماد والدین، انجام فعالیت‌های ورزشی و جسمی، احترام به یکدیگر و رعایت حقوق متقابل در بین اعضای خانواده، استفاده والدین از تشویق در زمینه موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموز، توجه والدین به امر تغذیه و بهداشت نوجوان، نیاز به مورد قبول واقع شدن در بین اعضای خانواده، اهمیت دادن والدین به وضع تحصیلی دانش‌آموز، آگاهی از اصول بهداشتی، مشورت با والدین در انتخاب رشته تحصیلی، آشنایی نوجوان با قانونمندی و احترام به قانون و اجرای آن، احترام به قوانین در بازی‌ها یا ورزش‌ها و فعالیت‌های جمعی، نقش والدین در آموزش مسایل مربوط به بلوغ، آشنایی با قانون اساسی کشور، آشنایی دختران و پسران قبل از ازدواج (حمیدی، ۱۳۸۴: ۱۷۴).

سمیرا خمسه و مجید رضائیان در پژوهش «بررسی نیازهای فرهنگی مردم شهر کرج در سال ۱۳۸۶»، به دنبال بررسی و شناخت نیازهای فرهنگی و هنری مردم شهر کرج در سال ۱۳۸۶ می‌باشند. این پژوهش از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات بهره برده است. انتخاب افراد نمونه به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی سهمیه‌ای از میان جمعیت ۱۳۸۶۰۳۰ نفری شهر کرج صورت گرفته است که ۰،۰۰۵ آنان (۲۷۷ نفر) به عنوان جامعه نمونه انتخاب گردید. نتایج نشان می‌دهد که در این شهر تمایل زیادی به به فعالیت‌های هنری از جمله سینما، تئاتر، نقاشی و موسیقی حس نمی‌شود. انجام فعالیت‌هایی مثل شرکت در کلاس‌های تقویتی، انجام ورزش‌های تیمی و انفرادی با استقبال نسبتاً خوبی روبرو شده است. کنسرت موسیقی، نمایشگاه کتاب، بازدید از آثار تاریخی، بازدید از نمایشگاه‌های هنری، برپایی بازارچه و شرکت در اردوهای تفریحی فعالیت‌هایی هستند، که افراد در رابطه با آنها نیاز بیشتری

نسبت به سایر فعالیت‌های فرهنگی مثل شرکت در جشنواره‌های هنری، انجام فعالیت‌های ادبی، شرکت در جلسات مشاعره و شب شعر و شرکت در مسابقات هنری احساس می‌کنند. همچنین، شرکت در مراسم مذهبی و ملی، کلاس‌های آشنایی با قرآن کریم و بازدید از اماکن متبرکه، جزء نیازهای مذهبی مردم معرفی می‌شوند (خمسه؛ رضاییان، ۱۳۸۶: ۶۷).

رضا اسماعیلی و کامران ربیعی در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر نیازهای فرهنگی - اجتماعی دختران نوجوان» پس از طرح مباحث نسبتاً مبسوطی در مورد مفهوم نیاز و گونه‌شناسی آن، نتایج مطالعه میدانی خود را مطرح می‌کنند که در آن ۴۹۷ نوجوان دختر ساکن شهر اصفهان نیازهای فرهنگی - اجتماعی خود را مشخص کرده‌اند. نوجوانان مورد مطالعه در دوره راهنمایی و متوسطه به تحصیل اشتغال داشته‌اند. طبق نتایج بدست‌آمده نیازهای عاطفی - روانی در مرتبه اول، نیازهای اجتماعی در رتبه دوم، نیازهای اقتصادی در رتبه سوم و نیازهای فرهنگی در مرتبه چهارم قرار دارند. دختران نوجوان شرکت در فعالیت‌های تفریحی (اردو و مسافرت) را به عنوان گزینه اول نیازهای فراغتی انتخاب کرده‌اند. خانواده مهمترین گروه مرجع و گروه درددل اصلی دختران می‌باشد. دختران نوجوان تمایل دارند تا مورد توجه بیشتری قرار گیرند و برای آنان همدلی و برقراری روابط صمیمانه اولویت بیشتری نسبت به تزریق پول و تأمین امکانات دارد (اسماعیلی؛ ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

مبانی نظری

«رفاه اجتماعی و ابعاد گوناگون آن در طول سال‌های اخیر به طور جدی از سوی جامعه‌شناسان و سایر عالمان علوم انسانی و اجتماعی مرتبط با توسعه مورد بررسی قرار گرفته است. از دیدگاه فیتزپتریک نیازها، ترجیحات و اولویت‌ها از اصلی‌ترین شاخص‌های رفاه شمرده شده‌اند» (هزارجریبی؛ صفری‌شالی، ۱۳۹۱: ۹). «در تحقیقات

اجتماعی برای بررسی میزان عینی رفاه افراد می‌توان با پرسش از نیازها، اولویت‌ها، ترجیحات و میزان تحقق آنها سوال نمود» (همان: ۶۶). در این بخش سعی خواهیم داشت تا برای به‌دست آوردن تصویری کلی از این نیازها و اولویت‌های آنها، مروری بر مهم‌ترین نظریه‌های موجود در این زمینه داشته باشیم.

نظریه موری^۱

هنری موری روان‌شناس آمریکایی، نظریه‌ای در مورد شخصیت ارائه کرده که بر پایه انگیزه‌ها، فشارها و نیازها سازماندهی شده است. موری «نیاز» را در کتاب «کاوشی در شخصیت^۲» چنین توصیف کرده است: «امکان یا آمادگی واکنش نشان دادن، به شیوه‌ای خاص، تحت شرایطی خاص» (موری، ۱۹۳۸: ۵۲). طبق نظریه موری، این نیازهای روانزا غالباً در سطح ناخودآگاه ذهن ما عمل می‌کنند اما نقش مهمی در شخصیت ما دارند.

انواع نیازها از نظر موری

موری نیازها را بر دو دسته تقسیم کرده است: نیازهای اولیه و نیازهای ثانویه؛ نیازهای اولیه بر پایه نیازهای بیولوژیک هستند، مانند نیاز به اکسیژن، غذا و آب. نیازهای ثانویه عموماً روان‌شناسانه هستند، مانند نیاز به پرورش، استقلال و موفقیت. موری و همکارانش فهرستی از نیازهای روانزا^۳ مطرح می‌کنند که براساس نظریه موری، تمام انسان‌ها این نیازها را دارند اما سطح هر نیاز در افراد گوناگون متفاوت است. ۱. نیازهای جاه‌طلبانه؛ ۲. نیازهای مادی؛ ۳. نیازهای قدرتی؛ ۴. نیازهای عاطفی؛ ۵. نیازهای اطلاعاتی (همان: ۶۳-۹۴).

1. Murray
2. Explorations in personality"
3. psychogenic

نظریه مازلو^۱

«مازلو نیازهای انسانی را به صورت یک سلسله مراتب ملاحظه کرده که از پایین‌ترین نیازها شروع شده و به بالاترین آنها صعود می‌نماید، و نتیجه می‌گیرد که پس از ارضای یک سطح از نیازها، نیازهای سایر سطوح اهمیت پیدا می‌کنند و آنها خواهند بود که بر رفتار شخص تسلط خواهند داشت» (هزارجریبی، صفری شالی، ۱۳۹۱: ۶۷). مازلو (۱۹۷۰) نیازهای اساسی انسان را به ترتیب اهمیت صعودی به صورت زیر بر می‌شمارد: ۱. نیازهای طبیعی؛ ۲. نیاز به امنیت؛ ۳. نیاز به پذیرش؛ ۴. نیاز به احترام؛ ۵. نیاز به خود واقعیت بخشیدن (کونتر، اودانل و ویریچ، ۱۳۸۴: ۳۸۹). «اگرچه جنبه‌های سلسله مراتبی تئوری مازلو زیر سوال رفته و غالباً پذیرفته نشده است، ولی تشخیص او در مورد نیازهای اساسی کاملاً مشهود است» (همان: ۳۹۰).

نظریه اریک فروم^۲

«فروم معتقد بود که فروید از تأثیر اجتماع بر انسان غافل بوده است و فقط بر نیازهای زیستی تکیه کرده است. اریک فروم سخت معتقد بود که اجتماع با ابعاد وسیع خود بر انسان اثر می‌گذارد. به عنوان مثال او معتقد است که انسان معاصر، خویشتر را از فطرت و طبیعت خویش آزاد ساخته و هم اکنون در وضعیتی است که خود را جدا از سایر انسان‌ها می‌یابد. خلاصه اینکه ماهیت دیدگاه فروم را عوامل اجتماعی و فرهنگی تشکیل می‌دهند و عوامل زیست‌شناختی در آن نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد. او بر خلاف فروید بر این باور است که نیروی محرک نخستین در وجود انسان، ارضای سائق‌های غریزی نیست، بلکه تمایل به بازگشت به شرایط وابستگی و تعلق است» (جمعی از مولفین، ۱۳۸۰: ۲۴۶). اریک فروم انسان را دارای پنج نیاز ویژه می‌داند که از شرایط تنهایی سرچشمه می‌گیرد:

-
1. Maslow
 2. Erich Fromm

۱. نیاز به ارتباط داشتن؛ ۲. نیاز به سرآمد بودن؛ ۳. نیاز به ریشه داشتن؛ ۴. نیاز به احساس هویت؛ ۵. نیاز به داشتن قالب روانی (شاملو، ۱۳۸۲: ۹۶). بنابراین می‌بینیم که فروم برخلاف فروید، به نیازهای اجتماعی می‌پرداخت و منشأ این نیازها را از شرایط تنهایی می‌دانست.

نظریه کرونباخ^۱

کرونباخ در کتاب خود با عنوان روان‌شناسی تربیتی در مورد نیازها و ارتباط آنها با آموزش و شخصیت آدمی مطالب جامعی را مطرح کرده است. بر اساس دیدگاه کرونباخ نیازها را می‌توان در پنج دسته طبقه‌بندی کرد. او در طبقه‌بندی خود نیازهای فیزیولوژیک را کنار نهاده است. «نیاز به امنیت در طبقه‌بندی کرونباخ به چشم نمی‌خورد زیرا به عقیده وی عدم امنیت خود به منزله عدم ارضای نیاز است. او نیازهای اساسی را به شرح ذیل دسته‌بندی می‌نماید: نیاز به محبت، نیاز به مورد قبول مقامات بالاتر واقع شدن، نیاز به مورد تأیید همگان واقع شدن، نیاز به استقلال و عدم وابستگی، نیاز به کسب احترام و عزت نفس» (الوانی، ۱۳۷۰: ۵۹؛ به نقل از اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

نظریه E.R.G آلدرفر^۲

در مقابل مازلو، «آلدرفر معتقد است که نیازهای افراد سلسله‌مراتبی نیست، زیرا آدم‌ها دوست دارند که اگر کسی می‌خواهد گرسنگی آنها را برطرف کند، باید به احترام آنها هم فکر کند» (مقیمی، ۱۳۹۰: ۷۸). در واقع نظریه آلدرفر تکمیل‌کننده نظریه مازلو است؛ اما در نظریه آلدرفر به‌طور همزمان به نیازها می‌توان پاسخ داد.

1. Cronbach
2. Alderfer

آلدرفر سه دسته نیاز با عناوین وجودی،^۱ ارتباطی^۲ و رشد^۳ تشخیص می‌دهد. نیازهای وجودی که آلدرفر بر می‌شمارد در واقع همان نیاز فیزیولوژیکی و امنیتی در نظریه مازلو می‌باشند. نیازهای ارتباطی همان نیازهای اجتماعی و احترام در سلسله مراتب مازلو می‌باشند؛ و نیاز رشد معادل نیاز به خودشکوفایی است که در نظریه مازلو مطرح شده است (آلدرفر، ۱۹۶۹: ۱۴۹-۱۷۰).

مطابق نظریه آلدرفر، «یک شخص می‌تواند به صورت ارادی از پایین سلسله مراتب نیازها حرکت کند و به بالاترین سطح برسد، به شرطی که برای دستیابی به نیازهای ناکام مانده خود تلاش کند» (هرسی و بلانچارد، ۱۳۸۹: ۱۱۱). برخلاف مازلو، به نظر آلدرفر، «در هر زمان امکان دارد بیش از یک نیاز فعال باشد و از طرفی نمی‌توان گفت که این نیازها به ترتیب فعال می‌شوند؛ بلکه اگر یکی از نیازهای رده بالا نتواند ارضا شود، میل به ارضای نیاز رده پایین تشدید می‌شود تا جایگزین آن شود» (آلدرفر، ۱۹۶۹: ۱۷۲).

نظریه ماکس نیف^۴

ماکس نیف (۱۹۹۲) دو نوع دسته‌بندی کلی برای نیازهای انسان ارائه می‌دهد. وی دسته‌بندی‌های خود را ارزشی^۵ و وجودی^۶ می‌نامد. هرچند وی نیز مانند مازلو این نیازها را به ترتیب از نیازهای جسمی به روانی برشمرده است، لیکن در برآورده شدن آنها لزوماً به ترتیب سلسله مراتبی قائل نمی‌باشد. معیشت^۷، حفاظت^۸، عاطفه^۹، ادراک^۱،

-
1. existence
 2. relatedness
 3. growth
 4. Max-Neef
 5. axiological
 6. existential
 7. subsistence
 8. protection
 9. affection

ادراک^۱، مشارکت^۲، فراغت^۳، خلاقیت^۴، هویت^۵ و آزادی^۶ نیازهایی هستند که وی در ذیل دسته‌بندی ارزشی از نیازها آنها را بر می‌شمارد. نیف نیازهای وجودی را به نیازهای مربوط به بودن^۷، نیازهای مربوط به داشتن^۸، نیازهای مربوط به انجام دادن^۹ و نیازهای مربوط به تعامل داشتن^{۱۰} تقسیم می‌کند.

مقصود نیف از ارائه این دو دسته‌بندی نشان دادن دو بعد کلی نیازهای انسان می‌باشد. هر کدام از نیازهای ارزشی می‌توانند در عرصه‌های گوناگون نیازهای وجودی بروز پیدا کنند. به نظر نیف «نیازها به وسیله ارضاکننده‌ها بر طرف می‌شوند. ... هرچند نیازها به وسیله ارضاکننده‌ها برطرف می‌شوند، لیکن رابطه این دو یک به یک نیست و یک ارضاکننده می‌تواند چند نیاز را برطرف کند» (نیف، ۱۹۹۲: ۱۹۹).

برای دقت بیشتر و اینکه در الگوی ماکس نیف نیازهای متناسب با زمینه جنسیتی و علایق خاص زنان نیز لحاظ شده باشد، کستانز^{۱۱} تغییرات و اصلاحاتی را در نظریه ماکس نیف اعمال کرده است (کستانز، ۲۰۰۷). وی بخشی از نیازهای دسته اول ماکس نیف مانند معیشت را تحت عنوانی جدید و با نام تولیدمثل^{۱۲} آورده و آن را از نیاز معیشت جدا کرده است. معیشت به جمعیت کنونی برمی‌گردد، در حالیکه تولیدمثل به نسل‌های آینده مربوط می‌شود. مقوله جدیدی که کستانز آن را به مقوله‌های مطرح شده توسط نیف اضافه کرده معنویت^{۱۳} می‌باشد (کستانز، ۲۰۰۷: ۲۶۵-۲۷۱).

-
1. understanding
 2. participation
 3. leisure
 4. creation
 5. identity
 6. freedom
 7. being
 8. having
 9. doing
 10. satisfiers
 11. Costanza
 12. reproduction
 13. spirituality

علائق و نیازها در حوزه مطالعات جوانان

نیازها و علایق می‌توانند به‌عنوان اصلی‌ترین پارامترهای تاثیرگذار در سبک زندگی یک فرد و به‌طور خاص یک جوان مطرح باشند. از سوی دیگر خرده‌فرهنگ‌های موجود در بین جوانان نیز خود می‌توانند در شکل‌گیری علایق و نیازهای خاصی که نمی‌توانند در خارج از آن خرده‌فرهنگ مطرح باشند، تعیین‌کننده باشند. دو دیدگاه عمده را می‌توان در ارزیابی خرده‌فرهنگ جوانان و اقتضانات آن مورد شناسایی قرار داد. «نظریه‌پردازان انتقادی مکتب فرانکفورت رابطه خرده‌فرهنگ جوانان و فرهنگ توده‌ای را رابطه‌ای بی‌معنا، منفعل، منحرف، دستکاری‌شده و ساختگی، لذت‌طلبانه و مصرف‌گرایانه توصیف و آن را محکوم می‌کنند. در مقابل صاحب‌نظران مکتب بیرمنگام خرده‌فرهنگ‌ها را اساساً راه‌حل جمعی برای مشکلات و معضلات برآمده از تناقضات زندگی روزمره می‌دانند. آنان خرده‌فرهنگ جوانان را آگاهانه، خلاق، مستقل، گزینشی، معنی‌دار و نمادین دانسته و آن را تحسین می‌کنند» (شفیعی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

«فورناس (۱۹۸۹) معتقد است با از بین رفتن هنجارها و سنت‌ها در رهایی فرهنگی پرتاب شده‌ایم و جوانان به شدت گذشته، تحت سلطه هنجارها و الگوهای قدیمی زندگی نیستند. جوانان به‌شیوه‌ای کاملاً متفاوت از گذشته خود را تجربه می‌کنند و تصویری متفاوت از آنچه خود را ناگزیر از آن می‌دانند، ترسیم می‌کنند. ملوچی (۱۹۹۲) چنین فردگرایی خاص در میان جوانان را مشخصه جامعه مدرن متاخر می‌داند» (همان: ۱۲۱). «حق انتخاب‌کردن و عضویت جوان یا نوجوان در گروه‌های مختلف، مسئله هر جوانی است. برای همین جوانان در پی فضای بزرگتری برای تجربه شخصی و دستیابی به فرصت‌های متنوعی فراتر از دنیای سنت هستند» (بنت و هریس، ۲۰۰۴: ۱۲۱).

یکی از تاثیرات بارز اهمیت یافتن سبک فردی روی علایق و نیازهای درک‌شده توسط جوان، کانونی‌شدن بدن در زندگی روزمره و توجهات ناخودآگاه ولی اجتماعی اوست. «در مدرنیته متاخر به‌عنوان مرحله‌ای در تکامل اجتماعی و اقتصادی، جوامع را

می‌توان با علاقمندی عموم مردم نسبت به کامل جلوه کردن، خلاق و فریبنده بودن، کنترل داشتن نسبت به بدن و خلاقیت افراد نسبت به سبک زندگی خویش و مصارف سبک‌های متغیر، توضیح داد تصاویر بدن‌های زیبا، محرک و در طلب لذت، فراغت و نمایش، تأکیدی بر اهمیت ظاهر و چهره است» (فدرستون، ۱۹۹۱: ۱۷۰). تناسب اندام از انواع طریق رژیم‌های غذایی، جراحی‌های زیبایی و ورزش، تزئین بدن با خالکوبی، آویز، جراحی‌های زیبایی صورت، توجه بیش از پیش به انواع مواد آرایشی و بهداشتی برای حفظ کیفیت حضور بدن از جمله پیامدهای همین امر است که در میان دختران تبلوری غیرقابل‌انکار داشته است.

در سویه‌ای دیگر دگرگونی‌های فناوری، در عمل با ارائه آخرین نسل از محصولات این حوزه به ویژه اوقات فراغت جوانان را متحول ساخته و در مجموع طیف وسیعی از زمینه‌های جدید اختصاص علاقه را به ارمغان آورده است. درک چنین دگرگونی‌هایی مستلزم رویکرد تحلیلی جدیدی برای مطالعه فرهنگ جوانان است که نظریه پساخرده فرهنگی نامیده می‌شود. این نظریات سعی داشته‌اند تا با درک مقتضیاتی چون فردگرایی فزاینده جوانان، خطرپذیری، استقلال طلبی، ساختارشکنی و بسترهای ارتباطی موجود به تحلیل سبک زندگی جوانان بپردازند. ردهد^۱ (۱۹۹۰) و پس از او ماگلتون^۲ (۱۹۹۷ و ۲۰۰۰) در مطالعات خود «به اضمحلال و تضعیف تمایزات خرده فرهنگی مبتنی بر روابط بین سبک زندگی، ذائقه موسیقی‌یابی و هویت پرداخته و نشان دادند که این تمایزات به شکل سیال‌تری اظهار می‌شوند» (بنت و هریس، ۲۰۰۴: ۱۱).

چارچوب نظری

سرانجام از خلال مباحث نظری سعی گردید چارچوبی تدوین شود که در سه محور «نیازهای اجتماعی»، «نیازهای روانی و فردی» و «علایق»، تا جای ممکن محوری‌ترین

1. Redhead
2. Muggleton

پارامترهای مربوطه را لحاظ کرده باشد. در این زمینه و در گنجاندن موارد انتخاب‌شده، تاکید بیشتر بر روی نظریاتی مانند نظریه نیازهای روانزای ماکس نیف و بسط آن توسط کستانز بوده است که به اقتضائات خاص نیازها و علائق زنان بیشتر پرداخته‌اند. مطالعات اخیر در زمینه مطالعات جوانان توجه بیشتری را روی نیازهای اجتماعی یا نیازهای روانی که بازنمود جمعی در میان جوانان دارند، داشته‌اند. دستاوردهای این مطالعات به‌ویژه تاکید متمایز آن‌ها بر حضور محوری بدن در دغدغه‌های دختران نوجوان و جوان از دیگر سویه‌های محوری و راهنمای انتخاب نیازهای اصلی برای بررسی بوده است. اوقات فراغت و امکانات وسیعی که این عرصه برای تعریف نیازهای جدید جمعی و فردی فراهم می‌آورد نیز از موارد مورد تاکید اغلب نظریه‌پردازان مطالعات جوانان می‌باشد که هم در زمینه نیازها و هم در زمینه علائق در این پژوهش مورد توجه بوده‌اند.

در محور «نیازهای اجتماعی» بعد از تنظیم فهرستی از نیازها، با توجه به نتایج به-دست آمده از مطالعات اکتشافی که از گروه‌های متمرکز از دختران نوجوان ۹ تا ۱۸ سال تشکیل شده بودند، نهایتاً نیازهای «آموزشی»، «کفایت اجتماعی»، «عدالت جنسیتی» (صدیق سروستانی؛ حبیب‌پور کتابی، ۱۳۸۶: ۵۶)، «مشارکت اجتماعی»، «حمایت و پشتیبانی» (نیف، ۱۹۹۲: ۱۹۸)، «اعتماد عمومی» (زتومکا، ۱۳۸۶: ۳۱)، «اعتماد نهادی» (گیدنز، ۱۳۷۶: ۹۹؛ لاپتن، ۱۳۸۰: ۳۰۹)، «ارتباط» (نیف، ۱۹۹۲: ۱۹۸؛ موری، ۱۹۳۸: ۶۹)، «آزادی» (نیف، ۱۹۹۲: ۱۹۸؛ آلدرفر، ۱۹۶۹: ۱۴۹) برای بررسی نهایی مورد انتخاب واقع شدند.

به همین ترتیب در محور «نیازهای روانی و فردی» نهایتاً نیازهای «خودنمایی» (موری، ۱۹۳۸: ۶۵)، «مورد تایید دیگران واقع شدن یا مقبولیت اجتماعی» (کرونباخ، ۱۹۷۵ به نقل از اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۱۰۷)، «شناخته شدن»، «موفقیت» (آلدرفر، ۱۹۶۹: ۱۵۲، موری، ۱۹۳۸: ۶۷)، «قالب روانی» (فروم، ۱۹۶۸ به نقل از شاملو، ۱۳۸۲: ۹۶)، «فهمیدن و شناختن»، «ماجراجویی» (نیف، ۱۹۹۲: ۱۹۹)، «معنویت» (کستانز، ۲۰۰۷:

(۲۷۱)، «خودشکوفایی» (آلدرفر، ۱۹۶۹: ۱۵۵؛ مازلو، ۱۹۷۰ به نقل از کونتر، اودانل و ویریچ، ۱۳۸۴: ۳۸۹)، «مورد محبت واقع‌شدن»، «گذران اوقات فراغت» (نیف، ۱۹۹۲: ۱۹۸؛ موری، ۱۹۳۸: ۷۹-۸۵)، «محبت کردن» (نیف، ۱۹۹۲: ۱۹۸؛ کرونباخ، ۱۹۷۵ به نقل از اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۱۰۷)، «احترام و عزت نفس» (مازلو، ۱۹۷۰ به نقل از کونتر، اودانل و ویریچ، ۱۳۸۴: ۳۸۹)، «استقلال و عدم وابستگی» (کرونباخ، ۱۹۷۵ به نقل از اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۱۰۷؛ موری، ۱۹۳۸: ۷۹) برای بررسی نهایی مورد انتخاب واقع شدند.

در محور «علایق»، گونه‌های «موسیقی»، «اوقات فراغت» و «ژانر فیلم» مورد علاقه، از دسته‌بندی جواب‌های پاسخ‌گویان در مطالعه اکتشافی که بیشتر مورد تاکید بودند، به دست آمده‌اند.

استراتژی‌های بررسی نیازها

«نیازسنجی تا حدود زیادی تابع برداشتی است که از مفهوم نیاز در نظر گرفته می‌شود» (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۵: ۳۱). در علوم اجتماعی و تربیتی، برداشت‌های متفاوتی از نیازها وجود دارد؛ در رهیافت اول، نیاز به‌عنوان «فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب» (کافمن، ۱۹۷۹؛ به نقل از فتحی و اجارگاه، ۱۳۷۵: ۳۶) در نظر گرفته می‌شود. با این تعبیر پروژه نیازسنجی، به تعیین فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب محدود می‌شود. برادشاو، ضمن اصلاح این برداشت، نیازسنجی را «فرآیند تعیین اهداف، مشخص کردن وضع موجود، اندازه‌گیری نیازها و تعیین اولویت‌ها برای عمل» (برادشاو، ۱۹۷۲: ۳) معرفی می‌کند. در این الگو از نیازسنجی، هیچ چیز به اندازه هدف اهمیت ندارد. «سیاست‌گذاری در گردآوری اطلاعات، تعیین جامعه آماری و به‌کارگیری روش و فنون مناسب، متأثر از هدف یا اهداف مرتبط با نیازسنجی است» (خمسه؛ رضائیان، ۱۳۸۶: ۴۳). رهیافت دوم، نیاز را به عنوان یک خواست یا ترجیح در نظر

می‌گیرد. سوزن ضمن پذیرش این برداشت، «نظرات و عقاید افراد و گروه‌ها را در زمینه نیازها، کانون اصلی نیازسنجی» (سوزن، ۱۹۹۱: ۴۳۳) می‌داند. در رهیافت سوم، نیاز به عنوان یک عیب یا نقصان در نظر گرفته می‌شود. با توجه به این برداشت، اسکریون نیازسنجی را «فرآیند شناخت مسائل، مشکلات و معایب موجود و در نتیجه افزایش بازده عملکرد در راستای رفع کاستی‌ها» (اسکریون، ۱۹۷۵؛ به نقل از فتحی و اجارگاه، ۱۳۷۵: ۲۵) می‌داند و آنستازی، هم در این زمینه نیاز را به منزله «فقدان چیزی که لازمه رفاه فیزیولوژیک یا روانی شخص تلقی می‌شود» (آنستازی، ۱۳۶۱: ۵۵) معرفی می‌کند.

پژوهش حاضر از الگوهای گوناگون نیازسنجی مانند الگوی هدف‌محور بر اساس رویکردهای رشد و نیازهای هنجاری، الگوی مساله‌محور براساس نظر دانش‌آموزان و نیازهای بیان شده توسط آنان و تکنیک دلفی که نظرخواهی از مشاوران و کارشناسان بوده و مبتنی بر نیازهای احساس شده است، در تنظیم پرسشنامه نیازسنجی استفاده کرده است، از این روی می‌توان گفت این پژوهش رویکردی ترکیبی در نیازسنجی دارد. «این الگو عموماً دارای اعتبار و اهمیت بیشتری است زیرا نیازهای به دست آمده عمدتاً از ابعاد و جوانب گوناگون مورد بررسی و سنجش قرار گرفته‌اند» (حمیدی، ۱۳۸۴: ۱۶۸). «استفاده از پرسشنامه، مشاهده و مصاحبه شفاهی از بهترین و کارآمدترین شیوه‌های نیازسنجی می‌باشند» (اصنافی، ۱۳۸۸: ۳۴).

روش تحقیق

این پژوهش را به لحاظ روش و تکنیک‌های به‌کار بسته شده در آن می‌توان به دو مرحله تقسیم نمود. روش‌های به‌کار بسته شده در مرحله اول، در راستای مطالعه اکتشافی جامعه مورد نظر، یعنی دختران دانش‌آموز ۹ تا ۱۸ سال تهرانی، قرار می‌گیرد. بعد از مرور ادبیات نظری موجود در این زمینه، فهرست جامع و بسیار مفصلی از نیازهای انسانی و به‌ویژه نیازهای مخصوص به دختران استخراج گردید. با توجه به

محدودیت‌هایی که پرسشنامه با مخاطبین ویژه (دختران ۹ تا ۱۸ سال) داشت، ضروری می‌نمود که برای کاستن از پرسش‌ها و گویه‌های متعلق به نیازهای غیرضروری گروه هدف، شناخت زمینه‌ای دقیق‌تری از جامعه مورد نظر حاصل شود. بدین منظور مطالعه‌ای اکتشافی با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق برنامه‌ریزی شد. در این مطالعه، شانزده مصاحبه نیمه ساخت یافته که مدت زمان آن‌ها بین یک ساعت تا دو ساعت و نیم و با میانگین زمانی ۸۱ دقیقه بود، با کارشناسان تربیتی مدارس، مدیران مجرب در امر تعلیم و تربیت، معلمان نزدیک به دانش‌آموزان و آشنا با مسائل و نیازهای آنان ترتیب داده شد و نیازهای اساسی دختران مورد بحث قرار گرفت. برای تأیید اعتبار فهرست استخراج شده نتایج مراحل پیشین به صاحب‌نظران حوزه زنان در دانشگاه‌های معتبر (دانشگاه تهران، علامه طباطبائی) ارائه شد و ضمن ادغام اصلاحات پیشنهادی، نظرات آنها نیز در همین زمینه مورد بررسی قرار گرفته و لحاظ گردید. نتایج این مطالعه اکتشافی در تدقیق و محدودتر کردن فهرست نیازهای اساسی برای اولویت‌سنجی مورد استفاده قرار گرفت و در تفسیر نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها نیز در برخی موارد به کار بسته شدند.

مرحله دوم پژوهش، با استفاده از روش تحقیق پیمایشی می‌باشد که در آن از ابزار پرسشنامه نظرسنجی برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش دختران دانش‌آموز ۹ تا ۱۸ سال ساکن شهر تهران می‌باشد که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱، تعداد ۵۳۷۸۳۶ دانش‌آموز گزارش شده است (به نقل از سایت مرکز رشد ایران: tnews.ir و roshd.ir). حجم نمونه آماری برابر ۹۷۴ نفر از دانش‌آموزان دختر متعلق به محدوده سنی ۹ تا ۱۸ سال می‌باشد که با توجه به در دست نبودن لیست جامعه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از ۱۶ منطقه شهرداری شهر تهران، در ذیل دسته‌بندی پنج منطقه کلی‌تر و از ۷۲ مدرسه دخترانه انتخاب شده‌اند.

پایگاه اقتصادی خانواده: پاسخگویان با استفاده از شاخص‌هایی درباره منطقه و وضعیت مسکونی، میزان درآمد خانوار، دولتی یا غیردولتی بودن مدرسه و محل تحصیل دانش‌آموز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل در پنج طبقه و به ترتیب پایگاه اقتصادی بالا، متوسط به بالا، متوسط، متوسط به پایین و پایین طبقه‌بندی شد.

سرمایه فرهنگی: پاسخگویان نیز با توجه به میزان تحصیلات پدر و مادر، میزان مطالعات غیردرسی، میزان آشنایی با شاعران و هنرمندان برجسته و آثار آنها، عادت استفاده از محصولات فرهنگی مانند سینما و موسیقی اصیل و میزان مطلوبیت ذهنی یادگیری هنر مانند ادبیات و موسیقی و کسب مدارک دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفته و پاسخگویان برحسب نوع پاسخگویی در پنج طبقه با سرمایه فرهنگی بالا، متوسط به بالا، متوسط، متوسط به پایین و پایین طبقه‌بندی شده‌اند.

برای بررسی رابطه همبستگی میان متغیرهای زمینه‌ای سن، پایگاه اقتصادی و سرمایه فرهنگی پاسخگویان با نیازهای آنان و چگونگی تاثیر این عوامل بر نیازهای دختران از آزمون همبستگی تائوبی در سطح اطمینان ۵٪ به عنوان ضریب اصلی استفاده گردید؛ در کنار آن از ضرایب همبستگی گاما و اسپیرمن برای مقایسه و بررسی اعتبار داده‌ها استفاده گردید.

توصیف نمونه آماری

سن: بازه سنی پرسش‌شوندگان در گستره بزرگی قرار می‌گرفت؛ از این‌رو برای بدست آوردن تصویری کلی از وضعیت سنی نمونه مورد بررسی، بازه سنی ۹ تا ۱۸ سال، به سه گروه سنی (۹ تا ۱۲)، (۱۳ تا ۱۵)، (۱۶ به بالا) تقسیم شد. با توجه به ویژگی جمعیت مورد نظر که دانش‌آموزان مقاطع گوناگون تحصیلی بودند، می‌توان این تقسیم‌بندی را به طور تقریبی معادل تقسیم‌بندی (۱) سال‌های انتهایی دوره ابتدایی، (۲) راهنمایی و (۳) دبیرستان در سیستم آموزشی کشور دانست. در همین راستا کدهای جمعیتی ۱ و ۲ و ۳

به ترتیب به گروه‌های سنی (۹ تا ۱۲)، (۱۳ تا ۱۵) و (۱۶ به بالا) داده شد. میانگین سنی نمونه مورد بررسی ۱۶,۱۱ سال می‌باشد. ساختار سنی، افراد مورد بررسی به صورتی است که به غیر از یک درصد افرادی که به پرسش مربوط به سن پاسخ نداده‌اند، ۸,۷ درصد از پاسخگویان متعلق به گروه سنی یک (۹ تا ۱۲) سال، ۳۵ درصد متعلق به گروه سنی دو (۱۳ تا ۱۵) سال و ۵۵,۲ درصد از پاسخگویان متعلق به گروه سنی سوم (۱۶ به بالا) هستند که حاکی از آن است که اکثریت غالب نمونه مورد بررسی، به لحاظ سنی به سال‌های انتهایی دوره نوجوانی و آغاز دوره جوانی تعلق دارند. البته تفسیر دقیق‌تر این امر به تعاریفی که از دوره‌های نوجوانی و جوانی ارائه می‌شود بستگی دارد. در مورد پایگاه اقتصادی خانواده پاسخگویان داده‌ها حاکی از آن بودند که ۲۲,۸ درصد از پاسخگویان به لحاظ پایگاه اقتصادی به طبقه بالا تعلق داشتند؛ ۲۱,۹ درصد به طبقه متوسط به بالا، ۲۳ درصد به طبقه متوسط، ۱۴,۹ درصد به طبقه متوسط به پایین و ۱۷,۲ درصد به طبقه پایین تعلق داشتند.

در مورد سرمایه فرهنگی پاسخگویان بررسی داده‌ها حاکی از آن است که سرمایه فرهنگی ۱۶,۵ درصد از پاسخگویان در طبقه بالا، ۳۸,۶ درصد از پاسخگویان در طبقه متوسط به بالا، ۱۵,۵ درصد در طبقه متوسط، ۱۶,۶ درصد در طبقه متوسط به پایین و ۱۲,۹ از پاسخگویان نیز به لحاظ اقتصادی در طبقه پایین قرار می‌گرفته است.

یافته‌های پژوهش بر مبنای شاخص‌های؛

الف - نیازهای اجتماعی؛ ب - نیازهای روانی و فردی؛ ج - علایق

الف - نیازهای اجتماعی

نیازهای اجتماعی، نیازهایی هستند که از تعامل و مناسبات افراد با دیگران در عرصه جامعه سرچشمه می‌گیرند. در این پژوهش، همان‌طور که اشاره شد، بعد از مطالعات اکتشافی اولیه در زمینه نیازهای اجتماعی اصلی دختران که در دو مرحله مرور

ادبیات نظری موجود در این زمینه و تدقیق فهرست نیازهای استخراج شده با استفاده از مصاحبه‌های صورت‌پذیرفته در این زمینه با کارشناسان این حوزه صورت پذیرفت، هفت نیاز آموزشی، عدالت جنسیتی، مشارکت اجتماعی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، ارتباط، آزادی و حمایت و پشتیبانی در نهایت انتخاب شدند. در مرحله دوم و با استفاده از تکنیک پرسشنامه، اهمیت و اولییتی که دانش‌آموزان برای این نیازها قائل هستند مورد سوال واقع شد. نتایج این بررسی که نشان‌دهنده ترتیب اولویت نیازهای اجتماعی برای پاسخگویان می‌باشد در جدول یک ارائه شده است.

جدول ۱- توصیف آماری نیازهای اجتماعی پاسخگویان برحسب درصد و اولویت آنها

رتبه در اولویت نیازها	انحراف معیار	میانگین (درصد)	عنوان نیاز
ششم	۰,۷۵۲	۸۴,۲۵	عدالت جنسیتی
چهارم	۰,۷۷۳	۸۷,۲۵	کفایت اجتماعی (توانایی انجام کارها)
پنجم	۰,۷۴۴	۸۶,۱۲	مشارکت اجتماعی
اول	۰,۶۲۸	۹۴	اعتماد عمومی
دوم	۰,۷۵۷	۹۲	اعتماد نهادی
نهم	۱,۰۱۸	۷۸	ارتباط
هشتم	۱,۰۲۶	۸۲,۵	آزادی
هفتم	۰,۹۳۲	۸۳,۷۵	حمایت و پشتیبانی
سوم	۰,۸۲۹	۸۸,۷۵	آموزشی

نتایج حاکی از آنند که از میان نیازهای اجتماعی مشخص شده، نیاز به اعتماد عمومی و اعتماد نهادی با میانگین ۹۴ و ۹۲ درصد به ترتیب بالاترین اهمیت و اولویت

را برای دختران نوجوان ساکن شهر تهران دارا می‌باشد؛ از سوی دیگر انحراف معیار پایین این دو مورد تمرکز بالای پاسخ نوجوانان دختر را بر روی این دو نیاز نشان می‌دهد. بعد از این موارد، نیازهایی که دختران نوجوان انتظار دارند در حوزه آموزش، جامعه آنها را برآورده کند، در مرتبه سوم قرار می‌گیرند. نیازهای دختران به کفایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، عدالت جنسیتی، حمایت و پشتیبانی، آزادی و ارتباط به ترتیب در مراتب بعدی نیازهای اجتماعی دختران قرار می‌گیرند. نیاز به آزادی و ارتباط که با میانگین‌های ۸۲٫۵ و ۷۸ درصد نسبت به سایر نیازها در مرتبه پایین‌تری قرار گرفته بودند، مواردی هستند که پراکندگی پاسخ دختران نوجوان نیز با انحراف معیار ۱٫۰۲۶ و ۱٫۰۱۸ در آنها نسبت به سایر موارد بالاتر بود. همچنین نیاز به اعتماد عمومی که رتبه نخست بالاترین اولویت برای پاسخگویان را دارد، با داشتن کمترین انحراف معیار در بین سایر نیازها، بیشترین میزان توافق را به خود اختصاص داده است.

ب- نیازهای فردی و روانی

اگرچه مرور ادبیات نظری منجر به فهرست بسیار طولانی از نیازهای فردی و روانی دختران نوجوان شد، لیکن در مرحله دوم از مطالعه اکتشافی و از خلال مصاحبه‌های با کارشناسان، نهایتاً چهارده نیاز اصلی دختران نوجوان ۹ تا ۱۸ سال ساکن تهران برای بررسی نهایی انتخاب شدند. خودنمایی، مورد تایید دیگران واقع‌شدن یا مقبولیت اجتماعی، شناخته شدن، قالب روانی (جهان‌بینی)، فهمیدن و شناختن، معنویت، خودشکوفایی، مورد محبت واقع شدن، محبت کردن، ماجراجویی، موفقیت، احترام و عزت نفس، استقلال و عدم وابستگی، گذران اوقات فراغت، نیازهای اصلی دختران مورد بررسی را در حوزه روانی و فردی تشکیل می‌دادند. جدول صفحه بعد نتایج حاصل از بررسی اهمیت و اولویت این نیازها از نگاه دختران نوجوان را نشان می‌دهد.

جدول ۲- توصیف آماری نیازهای فردی و روانی پاسخگویان بر حسب درصد و اولویت آنها

عنوان نیاز	میانگین (درصد)	انحراف معیار	رتبه در اولویت نیازها
خودنمایی	۸۴,۵	۰,۸۱۶	هشتم
مورد تایید دیگران واقع شدن	۷۹,۵	۱,۰۲۸	یازدهم
شناخته شدن	۷۴,۷۵	۱,۰۷۶	دوازدهم
قالب روانی	۸۴	۰,۸۸۵	نهم
فهمیدن و شناختن	۸۵,۵	۰,۸۱۸	هفتم
معنویت	۷۴,۲۵	۱,۱۲۴	سیزدهم
خودشکوفایی	۸۵,۵	۰,۷۹۲	ششم
مورد محبت واقع شدن	۹۰,۷۵	۰,۸۰۰	اول
محبت کردن	۸۹,۵	۰,۸۸۵	سوم
ماجراجویی	۸۱,۲۵	۰,۹۰۷	دهم
موفقیت	۸۹,۸۷	۰,۷۳۴	دوم
احترام و عزت نفس	۸۷,۱۲	۰,۸۰۱	پنجم
استقلال و عدم وابستگی	۸۹	۰,۷۵۲	چهارم

یافته‌ها حاکی از آنند که نیاز به مورد محبت واقع شدن، موفقیت و محبت کردن به ترتیب با میانگین‌های ۹۰,۷۵، ۸۹,۸۷ و ۸۹,۵ درصد سه اولویت اصلی نیازهای دختران نوجوان مورد بررسی را تشکیل می‌دهند. در مراتب بعدی نیازهای دختران نوجوان، به ترتیب نیاز به استقلال و عدم وابستگی، احترام و عزت نفس، خودشکوفایی، فهمیدن و شناختن، خودنمایی، قالب روانی (جهان‌بینی) و ماجراجویی قرار می‌گیرند. سه رتبه پایین را در میان نیازهای مذکور مورد تایید دیگران واقع شدن، شناخته شدن و معنویت با میانگین‌های ۷۴,۷۵، ۷۴,۲۵ و ۷۹,۵ درصد تشکیل می‌دهند. لازم به ذکر است

در نمونه حدود هزار نفره از دختران نوجوان ۹ تا ۱۸ سال، در پاسخ به این پرسش که بیشتر به کدام نوع از موسیقی گوش می‌دهند، موسیقی پاپ با بیشترین استقبال، به عنوان اولین اولویت دختران نوجوان در گوش دادن به موسیقی انتخاب شد. موسیقی رپ، بی‌کلام و آرام (لایت)، جاز، متال و در نهایت موسیقی سنتی و بومی انواع دیگر موسیقی‌هایی بودند که پرسش‌شوندگان با آنها آشنایی داشته و به ترتیب ترجیح می‌دادند که به آن نوع از موسیقی گوش دهند.

- **اوقات فراغت:** بخش دیگری از پرسشنامه برای بررسی آرای پاسخگویان پیرامون علایق دختران نوجوان در چگونگی گذران اوقات فراغت طراحی شده بود. دسته‌بندی‌های گوناگونی از اوقات فراغت به عمل آمده است. «میدل تاون، از فراغت‌ها سنتی، نوین و سازمان‌یافته سخن به میان می‌آورد؛ آتیک، فراغت‌ها را به سه نوع سنتی، انسانی و فرهنگ عامه تقسیم‌بندی می‌کند. دومازیه، با یک رویکرد دقیق‌تر فراغت‌های جسمانی، هنری، عملی، فکری و اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است» (هزارجریبی؛ صفری شالی، ۱۳۹۱: ۱۸۶).

در این پژوهش سعی شده در کنار در نظر گرفتن تمامی مؤلفه‌های مهم در اوقات فراغت گزینه‌های مطروحه تا جای ممکن بازتابی از پاسخ‌های پاسخگویان در مصاحبه‌های گروه‌های تمرکز اجرا شده در مناطق گوناگون آموزش و پرورش شهر تهران که در گروه‌های سنی گوناگون برگزار شده بودند نیز باشد و اولویت و علایق پاسخگویان در حوزه‌های گوناگون اوقات فراغت مورد بررسی قرار گیرد. البته بخش پاسخ باز به این پرسش نیز در پرسشنامه تعبیه شده بود که استقبال چندانی از این بخش از پرسشنامه به عمل نیامد و غالب پرسش‌شوندگان گزینه‌های مطروحه را اصلی‌ترین محورهای گذران اوقات فراغت خود می‌دانستند؛ تعداد بسیار پایین پاسخ به گزینه سایر نیز (تنها ۲۸ مورد از حدود ۱۰۰۰ پاسخگو) می‌تواند تاییدی بر این موضوع باشد.

جدول ۴- اولویت پاسخگویان برای گذران اوقات فراغت

کلاس‌ها و فعالیت‌های هنری		بازی رایانه‌ای		تماشای برنامه‌های تلویزیونی و فیلم		مطالعه		فعالیت‌های اوقات فراغت	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	اولویت	
۱۳,۶	۱۳۲	۱۳,۰	۱۲۷	۱۳,۲	۱۲۹	۱۳,۴	۱۳۱	بی‌پاسخ	داده نامعتبر
۹,۳	۹۱	۱۰,۳	۱۰۰	۱۲,۵	۱۲۲	۱۶,۷	۱۶۳	۱	داده معتبر
۱۰,۷	۱۰۴	۱۳,۸	۱۳۴	۱۵,۴	۱۵۰	۹,۵	۹۳	۲	
۱۲,۴	۱۲۱	۱۵,۴	۱۵۰	۱۸,۰	۱۷۵	۱۰,۶	۱۰۳	۳	
۱۶,۲	۱۵۸	۱۵,۶	۱۵۲	۱۶,۸	۱۶۴	۱۲,۳	۱۲۰	۴	
۱۷,۸	۱۷۳	۱۴,۵	۱۴۱	۱۲,۸	۱۲۵	۱۵,۵	۱۵۱	۵	
۱۲,۶	۱۲۳	۹,۴	۹۲	۶,۰	۵۸	۱۰,۴	۱۰۱	۶	
۷,۴	۷۲	۷,۸	۷۶	۵,۲	۵۱	۱۱,۳	۱۱۰	۷	
۱۳,۶	۱۳۲	۰,۲	۲	۱۳,۲	۱۲۹	۰,۲	۲	۸	
۱۰۰	۹۷۴	۱۰۰	۹۷۴	۱۰۰	۹۷۴	۱۰۰	۹۷۴	جمع کل:	
ششم		چهارم		دوم		پنجم		اولویت	

سایر		گوش دادن به موسیقی		ورزش		گردش با دوستان		ادامه فعالیت‌های اوقات فراغت	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	اولویت	
۹۵,۵	۹۳۰	۱۷,۹	۱۷۴	۱۲,۰	۱۱۷	۱۰,۶	۱۰۳	بی‌پاسخ	داده نامعتبر
۰,۷	۷	۵,۷	۵۶	۲۰,۷	۲۰۲	۲۹,۶	۲۸۸	۱	داده معتبر
۰,۱	۱	۴,۸	۴۷	۱۶,۱	۱۵۷	۱۵,۱	۱۴۷	۲	
-	-	۵,۵	۵۴	۱۱,۴	۱۱۱	۱۲,۳	۱۲۰	۳	
-	-	۶,۰	۵۸	۷,۶	۷۴	۱۰,۸	۱۰۵	۴	
۰,۲	۲	۹,۸	۹۵	۶,۸	۶۶	۱۱,۰	۱۰۷	۵	
۰,۱	۱	۱۷,۰	۱۶۶	۱۷,۶	۱۷۱	۴,۳	۴۲	۶	
۰,۵	۵	۳۳,۲	۳۲۳	۷,۷	۷۵	۶,۴	۶۲	۷	
۲,۹	۲۸	۰,۱	۱	۰,۱	۱	۱۰,۶	۱۰۳	۸	
۱۰۰	۹۷۴	۱۰۰	۹۷۴	۱۰۰	۹۷۴	۱۰۰	۹۷۴	جمع کل:	
-		هفتم		سوم		اول		اولویت	

مهمترین نکته که از نتایج حاصل از این بررسی جلب توجه می‌کند، جذابیت گذران وقت برای دختران نوجوان با هم سن و سالان خودشان می‌باشد که با فاصله بسیار زیادی نسبت به سایر موارد، اولویت و ترجیح اول دختران نوجوان برای گذران اوقات فراغتشان می‌باشد. تماشای برنامه‌های تلویزیونی، ورزش، بازی‌های رایانه‌ای، مطالعه، کلاس‌ها و فعالیت‌های هنری و در نهایت گوش دادن به موسیقی به ترتیب اولویت‌های اصلی بعدی دختران نوجوان در علاقه‌مندی‌شان برای چگونگی گذران اوقات فراغت می‌باشد.

- ژانر فیلم مورد علاقه: همانطور که نتایج قبلی در مورد علایق اوقات فراغت دختران نوجوان نشان می‌داد، تماشای برنامه‌های تلویزیونی و فیلم اولویت دوم آنان را در گذران اوقات فراغت به خود اختصاص داده است. اینکه این وقت صرف شده در این زمینه، به‌ویژه در مورد فیلم‌هایی که نوجوانان دختر بیشتر به آن وقت اختصاص می‌دهند، به چه ژانر و نوعی از این فیلم‌ها تعلق می‌گیرد، می‌تواند در تشخیص علایق و فضای روانی آنها بسیار تعیین‌کننده باشد.

جدول ۵- توزیع پاسخگویان بر اساس ژانر فیلم‌های مورد علاقه

اولویت	کمدی و شاد		اکشن و هیجان‌انگیز		پیچیده و فلسفی		خانوداگی		ترسناک		سایر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بی‌پاسخ	۱۰۲	۱۰,۵	۱۱۲	۱۱,۵	۱۵۲	۱۵,۶	۱۲۷	۱۳,۰	۹۳	۹,۵	۸۹۲	۹۱,۶
معتبر	۱	۳۰,۳	۳۱,۱	۱۹۹	۲۰,۴	۶۸	۷,۰	۱۲۸	۱۳,۱	۲۷۳	۲۸,۰	۲,۱
	۲	۱۷۱	۱۷,۶	۲۴۸	۲۵,۵	۸۲	۸,۴	۱۷۱	۱۷,۶	۱۵۰	۱۵,۴	۴
	۳	۱۸۴	۱۸,۹	۲۱۲	۲۱,۸	۹۴	۹,۷	۱۵۶	۱۶,۰	۱۶۹	۱۷,۴	۲
	۴	۱۳۴	۱۳,۸	۱۳۷	۱۴,۱	۱۹۶	۲۰,۱	۲۲۵	۲۳,۱	۱۲۵	۱۲,۸	۲
	۵	۸۰	۸,۲	۶۵	۶,۷	۳۷۵	۳۸,۵	۱۶۶	۱۷,۰	۱۵۹	۱۶,۳	۴
	۶	-	-	۱	۰,۱	۷	۰,۷	۱	۰,۱	۴	۰,۴	۵۰
جمع کل:	۹۷۴	۱۰۰	۹۷۴	۱۰۰	۹۷۴	۱۰۰	۹۷۴	۱۰۰	۹۷۴	۱۰۰	۹۷۴	۱۰۰
اولویت پاسخگویان	اول	دوم	پنجم	چهارم	سوم	-						

فیلم‌های کم‌دی و شاد، اکشن و هیجان‌انگیز، ترسناک، خانوادگی و پیچیده و فلسفی به ترتیب علایق دختران نوجوان را برای نگاه کردن به فیلم تشکیل می‌دهند.

بررسی تاثیر متغیرهای زمینه‌ای مستقل سن (مقطع تحصیلی)، پایگاه اقتصادی

خانواده و سرمایه فرهنگی روی نیازهای فردی-روانی و اجتماعی

در ارتباط با نیازهای فردی و روانی دختران، نیازهای پاسخگویان به شناخته شدن، قالب روانی (جهان‌بینی)، فهمیدن و شناختن، معنویت، خودشکوفایی، مورد محبت واقع شدن، محبت کردن، احترام و عزت نفس که از نیازهای اساسی دختران دانش‌آموز ۹ تا ۱۸ سال محسوب می‌شدند، رابطه متغیر زمینه‌ای سن با این نیازها در سطح معنی‌داری مذکور، نشان‌دهنده یک رابطه معنی‌دار نمی‌باشد و این بدان معناست که بعد از تشخیص این نیازها به عنوان نیازهای اساسی دختران دانش‌آموز ۹ تا ۱۸ سال تهرانی، این نیازها در سنین (مقاطع تحصیلی) گوناگون از اهمیت کم‌وبیش یکسانی برای دختران برخوردار می‌باشند. برای مثال می‌توان گفت در مورد نیاز دختران دانش‌آموز ۹ تا ۱۸ سال به خودشکوفایی، دختران مقطع تحصیلی ابتدایی به همان اندازه که دختران دبیرستانی و راهنمایی در خود نیاز به خودشکوفایی را احساس می‌کنند، این احساس نیاز را دارند و بالا رفتن سن این نیاز دختران را تشدید نمی‌کند و یا تخفیف نمی‌دهد.

نتایج حاکی از آن است که نیازهای فردی و روانی دختران به خودنمایی، مورد تایید دیگران واقع شدن، ماجراجویی، موفقیت، استقلال و عدم وابستگی رابطه مستقیمی با متغیر سن (مقطع تحصیلی) پاسخگویان دارد. یعنی با بالا رفتن سن (مقطع تحصیلی) این نیازها اهمیت بیشتری برای پاسخگویان پیدا می‌کنند. دختران نوجوان با بالا رفتن سن (مقطع تحصیلی) و نزدیک شدن به سنین جوانی تمایل بیشتری به خودنمایی و

۹۵ بررسی نیازها، علایق و اولویت‌های دختران ...

جدول ۱-۶- رابطه بین نیازهای فردی و روانی دختران ۹ تا ۱۸ سال ساکن شهر تهران با سه متغیر سن، پایگاه اقتصادی و سرمایه فرهنگی

متغیرهای مستقل	عنوان نیاز	آماره	سن (مقطع تحصیلی)			پایگاه اقتصادی			سرمایه فرهنگی		
			اسپیرمن	گاما	تائو بی	اسپیرمن	گاما	تائو بی	اسپیرمن	گاما	تائو بی
خودنمایی	مقدار	ضرایب همبستگی	۷,۸۶	۱۴,۴	۸,۵	-۹,۶۷	-۱۴,۱	-۱۱,۴	-۳,۷۶	-۵,۶	۴,۴
	سطح معناداری		۱,۱۹	۱,۰	۱,۲	۰,۰۸	۰,۱	۰,۱	۲۰,۶۳	۱۹,۹	۲۰,۴
	تعداد نمونه		۸۸۱	۸۸۱	۸۸۱	۸۷۹	۸۷۹	۸۷۹	۸۴۰	۸۴۰	۸۴۰
موردتایید دیگران واقع شدن	مقدار		۱۴,۳	۲۲,۵	۱۶,۵	-۷,۱	-۸,۹	-۸,۹	-۴,۰	-۵,۲	-۵,۱
	سطح معناداری		۰,۰	۰,۰	۰,۰۰	۱,۰	۰,۸	۰,۹	۱۵,۴	۱۵,۶	۱۴,۷
	تعداد نمونه		۸۶۲	۸۶۲	۸۶۲	۸۶۰	۸۶۰	۸۶۰	۸۲۰	۸۲۰	۸۲۰
شناخته شدن	مقدار		۴,۱۴	۶,۶	۴,۶	-۹,۵	-۱۲,۷	-۱۱,۵	-۶,۷۹	-۹,۴	-۸,۲
	سطح معناداری		۱۵,۲۲	۱۵,۹	۱۵,۲	۰,۰۴	۰,۱	۰,۰	۱,۴۶	۱,۶	۱,۴
	تعداد نمونه		۹۵۶	۹۵۶	۹۵۶	۹۵۴	۹۵۴	۹۵۴	۹۰۷	۹۰۷	۹۰۷
قالب روانی	مقدار		۵,۱۸	۹,۱	۵,۶	-۱,۳۹	-۲,۰	-۱,۶	-۲,۳۵	-۳,۵	-۲,۷
	سطح معناداری		۸,۰۶	۷,۸	۸,۱	۶۱,۴۲	۹۱,۷	۶۱,۲	۴۱,۱۱	۴۰,۲	۴۱,۰
	تعداد نمونه		۹۵۶	۹۵۶	۹۵۶	۹۵۴	۹۵۴	۹۵۴	۹۰۵	۹۰۵	۹۰۵
فهمیدن و شناختن	مقدار		۲,۹۱	۵,۲	۳,۲	-۳,۵۳	-۵,۳	-۴,۲	-۰,۳۱	-۰,۵	-۰,۴
	سطح معناداری		۳۲,۷۴	۳۲,۵	۳۲,۷	۲۰,۲۳	۱۹,۴	۱۹,۸	۹۱,۵۰	۹۱,۶	۸۹,۹
	تعداد نمونه		۹۶۱	۹۶۱	۹۶۱	۹۵۹	۹۵۹	۹۵۹	۹۱۱	۹۱۱	۹۱۱
معنویت	مقدار		۴,۴۰	۷,۰	۴,۹	-۰,۴۳	-۰,۶	-۰,۵	۳,۴۷	۴,۸	۴,۱
	سطح معناداری		۱۲,۶۹	۱۳,۱	۱۳,۰	۸۷,۳۰	۸۷,۲	۱۲,۴	۲۱,۰۷	۲۱,۶	۲۲,۰
	تعداد نمونه		۹۶۱	۹۵۴	۹۵۴	۹۵۲	۹۵۲	۹۵۴	۹۰۸	۹۰۸	۹۰۸
خودشکوفایی	مقدار		۳,۸۰	۶,۷	۴,۱	-۴,۲۷	-۶,۳	-۵,۰	۳,۴۷	-۱۱,۵	-۸,۶
	سطح معناداری		۲۰,۴۲	۲۰,۳	۲۰,۴	۸۷,۳۰	۱۲,۲	۱۲,۴	۲۱,۰۷	۰,۸	۰,۹
	تعداد نمونه		۹۵۳	۹۵۳	۹۵۳	۹۵۲	۹۵۱	۹۵۱	۹۰۸	۹۰۶	۹۰۶
مورد محبت واقع شدن	مقدار		-۱,۵۰	-۳,۲	-۱,۶	۴,۵۳	۸,۲	۵,۲	۳,۴۴	۶,۴	۳,۹
	سطح معناداری		۶۲,۱۲	۶۲,۲	۶۲,۱	۱۰,۷۶	۱۱,۲	۱۱,۱	۲۳,۷۵	۲۲,۶	۲۳,۷
	تعداد نمونه		۹۵۶	۹۵۶	۹۵۶	۹۵۴	۹۵۴	۹۵۴	۹۰۷	۹۰۷	۹۰۷
محبت کردن	مقدار		-۲,۱۶	-۴,۵	-۲,۳	۴,۳۹	۷,۷	۵,۱	۶,۳۶	۱۱,۴	۷,۲
	سطح معناداری		۴۷,۴۳	۴۷,۹	۴۷,۵	۱۱,۷۵	۱۲,۸	۱۱,۹	۲,۸۵	۲,۷	۲,۹
	تعداد نمونه		۹۵۶	۹۵۴	۹۵۴	۹۵۴	۹۵۲	۹۵۲	۹۰۷	۹۰۵	۹۰۵

۱- مقدار ضرایب همبستگی تائو بی، گاما، اسپیرمن و سطح معناداری به صورت درصد در جدول نوشته شده‌اند.

مقدار	۶,۰۵	۱۰,۱	۶,۶	۰,۵۲	۰,۷	۰,۶	-۴,۷۹	-۶,۹	-۵,۷
سطح معناداری	۴,۰۰	۴,۳	۴,۰	۸۴,۹۰	۸۵,۱	۸۴,۸	۹,۱۱	۸,۹	۸,۸
تعداد نمونه	۹۵۷	۹۵۷	۹۵۷	۹۵۵	۹۵۵	۹۵۵	۹۰۷	۹۰۷	۹۰۷
مقدار	۵,۸	۱۰,۱	۶,۴	-۲,۵	-۳,۶	-۳,۰	-۳,۷	-۵,۴	-۴,۳
سطح معناداری	۴,۹	۴,۹	۵,۱	۳۶,۲	۳۵,۸	۳۶,۷	۱۹,۴	۱۹,۴	۱۹,۶
تعداد نمونه	۹۳۴	۹۳۴	۹۳۴	۹۳۲	۹۳۲	۹۳۲	۹۳۲	۸۸۸	۸۸۸
مقدار	۵,۶	۹,۰	۶,۲	-۶,۰	-۸,۲	-۷,۲	-۷,۱	-۹,۹	-۸,۵
سطح معناداری	۵,۵	۵,۷	۵,۷	۲,۶	۲,۹	۲,۷	۱,۱	۱,۰	۱,۱
تعداد نمونه	۹۳۸	۹۳۸	۹۳۸	۹۳۶	۹۳۶	۹۳۶	۸۹۱	۸۹۱	۸۹۱
مقدار	-۷,۴۹	-۱۴,۰	-۸,۰	۱,۷۱	۲,۸	۲,۰	-۴,۵۸	-۷,۶	-۵,۳
سطح معناداری	۱,۳۰	۱,۷	۱,۳	۵۴,۲۳	۵۴,۸	۵۲۹	۱۱,۴۳	۱۰,۶	۱۱,۲
تعداد نمونه	۹۵۵	۹۵۵	۹۵۵	۹۵۳	۹۵۳	۹۵۳	۹۰۷	۹۰۷	۹۰۷

مورد تایید دیگران واقع شدن دارند و این نیازها را با صورت‌های گوناگونی از خود بروز می‌دهند. کسب موفقیت در زمینه‌های گوناگون زندگی و ماجراجویی دختران نیز با بالا رفتن سن (مقطع تحصیلی) آنها افزایش پیدا می‌کند. دختران با بالا رفتن سن‌شان (مقطع تحصیلی) دوست دارند وابستگی کمتری به خانواده داشته باشند.

عامل بعدی مورد بررسی در نیازهای فردی و روانی، متغیر زمینه‌ای پایگاه اقتصادی خانواده پاسخگویان می‌باشد. متغیر زمینه‌ای پایگاه اقتصادی خانواده پاسخگویان فقط با سه نیاز دختران به خودنمایی، شناخته شدن و احترام و عزت نفس رابطه معناداری دارد. رابطه متغیر پایگاه اقتصادی خانواده پاسخگویان با سه نیاز مذکور یک رابطه غیرمستقیم و منفی می‌باشد. با بالا رفتن پایگاه اقتصادی خانواده پاسخگویان نیاز دختران به خودنمایی، شناخته شدن و احترام و عزت نفس کاهش پیدا می‌کند و تاثیر بالا بودن این نیاز مانند یک پارامتر جبرانی روی نیازهای مذکور عمل می‌کند. در مورد سایر نیازهای فردی و روانی دختران مانند مورد تایید دیگران واقع شدن، قالب روانی (جهان‌بینی)، فهمیدن و شناختن، معنویت، خودشکوفایی، مورد محبت واقع شدن، محبت کردن، ماجراجویی، موفقیت و استقلال و عدم وابستگی، تغییر پایگاه اقتصادی پاسخگویان اثر

معنی داری در میزان احساس نیاز پاسخگویان به موارد مذکور ایجاد نمی‌کند. در مورد این نیازها می‌توان گفت دختران دانش‌آموز ۹ تا ۱۸ سال ساکن شهر تهران با پایگاه‌های اقتصادی گوناگون کم‌وبیش به یک میزان این نیازها را در خود احساس می‌کنند.

در میان نیازهای فردی و روانی پاسخگویان، نیازهای دختران به شناخته شدن، خودشکوفایی، محبت کردن و احترام و عزت نفس با سرمایه فرهنگی آنها رابطه معناداری دارند. از این میان رابطه سرمایه فرهنگی پاسخگویان با نیازهای دختران به شناخته شدن، محبت کردن و احترام و عزت نفس یک رابطه مستقیم و مثبت می‌باشد بدین صورت که با افزایش سرمایه فرهنگی پاسخگویان، احساس نیاز آنها به نیازهای مذکور نیز افزایش می‌یابد. از سویی رابطه سرمایه فرهنگی با نیاز پاسخگویان به خودشکوفایی یک رابطه منفی می‌باشد و با افزایش سرمایه فرهنگی پاسخگویان، احساس نیاز آنها به نیاز خودشکوفایی کاهش می‌یابد. سایر نیازهای فردی و روانی، یعنی نیازهای دختران به خودنمایی، مورد تایید دیگران واقع شدن، قالب روانی (جهان‌بینی)، فهمیدن و شناختن، معنویت، مورد محبت واقع شدن، ماجراجویی، موفقیت، استقلال و عدم وابستگی رابطه معناداری با سرمایه فرهنگی پاسخگویان ندارند و این نیازها برای دختران دانش‌آموز ۹ تا ۱۸ سال ساکن شهر تهران با سرمایه‌های فرهنگی متفاوت به یک میزان احساس می‌شوند.

جدول ۷- رابطه بین نیازهای اجتماعی دختران ۹ تا ۱۸ سال ساکن شهر تهران با سه

متغیر سن، پایگاه اقتصادی و سرمایه فرهنگی

متغیرهای مستقل	عنوان نیاز	آماره	سن (مقطع تحصیلی)			پایگاه اقتصادی			سرمایه فرهنگی			
			تائوبی	گاما	اسپیرمن	تائوبی	گاما	اسپیرمن	تائوبی	گاما	اسپیرمن	
		ضرایب- همبستگی										
		مقدار	-۰,۳۹	-۰,۸	-۰,۴	۰,۱۰	۰,۲	۰,۲	۱,۲۹	۲,۱	۱,۵	
عدالت جنسیتی	سطح معناداری	تعداد نمونه	۹۰,۱۴	۹۰,۱	۹۰,۱	۹۷,۳۶	۹۷,۴	۹۶,۳	۶۶,۵۷	۶۶,۵	۶۶,۱	
	مقدار	تعداد نمونه	۸,۶۰	۱۶,۰	۹,۲	-۷,۳۶	-۱۱,۳	-۸,۶	-۶,۱۳	-۹,۷	-۷,۰	
کفایت اجتماعی	سطح معناداری	تعداد نمونه	۰,۴۶	۰,۴	۰,۵	۰,۹۱	۱,۰	۰,۸	۳,۵۶	۳,۱	۳,۶	
	مقدار	تعداد نمونه	۱۰,۸	۱۶,۶	۱۲,۴	-۷,۱	-۹,۰	-۸,۸	-۷,۵	-۹,۸	-۹,۳	
مشارکت اجتماعی	سطح معناداری	تعداد نمونه	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۸	۰,۷	۰,۸	۰,۷	۰,۷	۰,۶	
	مقدار	تعداد نمونه	-۰,۵	-۱,۰	-۰,۵	-۰,۲	-۰,۳	-۰,۲	-۳,۹	-۷,۱	-۴,۴	
اعتماد عمومی	سطح معناداری	تعداد نمونه	۸۶,۸	۸۶,۸	۸۶,۷	۹۵,۲	۹۵,۰	۹۴,۶	۱۷,۷	۱۷,۳	۱۸,۰	
	مقدار	تعداد نمونه	۱۰,۷۳	۲۳,۳	۱۱,۴	-۸,۴۱	-۱۴,۹	-۹,۷	-۳,۲۴	-۵,۹	-۳,۷	
اعتماد نهادی	سطح معناداری	تعداد نمونه	۰,۰۴	۰,۰	۰,۰	۰,۲۷	۰,۳	۰,۳	۲۶,۴۱	۲۵,۱	۲۶,۰	
	مقدار	تعداد نمونه	۱۲,۰۸	۱۹,۸	۱۳,۴	-۳,۶۳	-۵,۰	-۴,۳	-۸,۵۲	-۱۱,۹	-۱۰,۱	
ارتباط	سطح معناداری	تعداد نمونه	۰,۰	۰,۰	۰,۰	۱۸,۰۳	۱۷,۶	۱۸,۲	۰,۲۳	۰,۳	۰,۲	
	مقدار	تعداد نمونه	-۶,۳	-۹,۵	-۷,۳	-۵,۹	-۷,۴	-۷,۴	-۱۲,۲	-۱۵,۹	-۱۵,۱	
آزادی	سطح معناداری	تعداد نمونه	۲,۵	۳,۳	۲,۶	۲,۵	۲,۶	۲,۵	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	
	مقدار	تعداد نمونه	۷,۰	۱۰,۴	۸,۱	-۴,۸	-۵,۹	-۵,۹	-۹,۸	-۱۲,۵	-۱۲,۱	
حمایت و پشتیبانی	سطح معناداری	تعداد نمونه	۱,۴	۱,۳	۱,۴	۷,۰	۶,۸	۷,۵	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	
	مقدار	تعداد نمونه	۰,۶۵	۱,۳	۰,۷	-۲,۳۱	-۳,۸	-۲,۷	-۹,۸۶	-۱۶,۹	-۱۱,۴	
آموزشی	سطح معناداری	تعداد نمونه	۸۳,۰۵	۸۳,۵	۸۳,۶	۴۱,۰۵	۴۲,۱	۴۰,۹	۰,۰۷	۰,۰	۰,۱	
	مقدار	تعداد نمونه	۹۴,۸	۹۴,۸	۹۴,۸	۹۴,۶	۹۴,۶	۹۴,۶	۹۴,۶	۹۴,۶	۹۴,۶	

۱- مقدار ضرایب همبستگی تائوبی، گاما، اسپیرمن و سطح معناداری به صورت درصد در جدول نوشته شده‌اند.

متغیر سن (مقطع تحصیلی) در رابطه با نیازهای اجتماعی دختران دانش‌آموز ۹ تا ۱۸ سال ساکن شهر تهران به کفایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد نهادی، ارتباط، آزادی، حمایت و پشتیبانی، روابط معنی‌داری را نشان می‌دهد. تمامی این روابط معنی‌دار رابطه مثبت متغیر سن را با نیازهای اجتماعی پاسخگویان نشان می‌دهند و همان‌طور که مشهود است رابطه این متغیر با بیشتر نیازهای اجتماعی معنی‌دار می‌باشد. این روابط حاکی از آنند که با بالا رفتن سن دختران نوجوان، آنها در روابط، تعاملات و فعالیت‌های اجتماعی خودشان نیاز بیشتری را به داشتن توانایی برآمدن از عهده مسئولیت‌های محوله، مشارکت اجتماعی، اعتماد نهادی، ارتباط، آزادی، حمایت و پشتیبانی احساس می‌کنند. در کنار این نیازها، نیازهای دختران به عدالت جنسیتی، اعتماد عمومی و نیازهای آموزشی آنها با متغیر سن (مقطع تحصیلی) رابطه معنی‌داری را ندارند و این نیازها برای دختران با سنین گوناگون و در مقاطع تحصیلی متفاوت به یک اندازه احساس می‌شوند.

دومین عامل مورد بررسی در نیازهای اجتماعی پاسخگویان، پایگاه اقتصادی خانواده پاسخگویان می‌باشد که نتایج رابطه معنی‌دار این متغیر با نیازهای کفایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد نهادی و آزادی را نشان می‌دهند. رابطه این متغیر با نیازهای مذکور یک رابطه منفی می‌باشد بدین معنی که با بالا رفتن پایگاه اقتصادی خانواده پاسخگویان احساس نیاز پاسخگویان به نیازهای مذکور کاهش می‌یابد. لازم به ذکر است که سایر نیازهای اجتماعی پاسخگویان یعنی نیاز آنان به عدالت جنسیتی، اعتماد عمومی، ارتباط، حمایت و پشتیبانی و نیازهای آموزشی آنان رابطه معنی‌داری را با متغیر پایگاه اقتصادی خانواده پاسخگویان نشان نمی‌دهد و دختران متعلق به خانواده‌هایی با پایگاه اقتصادی گوناگون کم و بیش به یک میزان این نیازها را در خود احساس می‌کنند.

عامل بعدی مورد بررسی، سرمایه فرهنگی پاسخگویان می‌باشد. نتایج نشان‌دهنده رابطه معنی‌دار این متغیر با نیازهای کفایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، ارتباط، آزادی،

حمایت و پشتیبانی و نیازهای آموزشی دختران دانش‌آموز ۹ تا ۱۸ سال ساکن شهر تهران می‌باشد. رابطه متغیر سرمایه فرهنگی پاسخگویان با نیازهای مذکور یک رابطه مستقیم و مثبت می‌باشد و این بدان معناست که با افزایش سرمایه فرهنگی پاسخگویان، آنها در فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی خودشان نیاز بیشتری را در خود به کفایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، ارتباط، آزادی، حمایت و پشتیبانی و نیازهای آموزشی احساس می‌کنند. سایر نیازهای اجتماعی دختران، یعنی نیازهای دختران به عدالت جنسیتی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی رابطه معناداری با سرمایه فرهنگی پاسخگویان ندارند و این نیازها برای دختران دانش‌آموز ۹ تا ۱۸ سال ساکن شهر تهران با سرمایه‌های فرهنگی متفاوت به یک میزان احساس می‌شوند.

نتیجه‌گیری

مروری بر نظریات کلان در زمینه نیازهای انسانی نشان‌دهنده گرایش‌ها و رویکردهای متنوعی می‌باشد که دو سویه‌ی عمده را می‌توان در آنها شناسایی کرد. برخی از نظریات و رویکردها که از بلندپروازی کمتری برخوردارند درصدد شناسایی و دسته‌بندی نیازها می‌باشند و با قید و بندهای گوناگون درصدد ادغام زمینه و بستری هستند که در آن به کار بسته می‌شوند. رویکرد دیگر که به‌عنوان بارزترین مثال و الگوی کلی آن می‌توان نظریه سلسله مراتبی مازلو را مثال زد، نیازها را در یک نظام اولویت‌بندی شده قرار می‌دهد که حرکت از یک طبقه به طبقه دیگر صرفاً در قالب یک سری قواعد تعریف شده کلی و جهانشمول صورت می‌پذیرد. این رویکرد توجه کمتری به متغیرهای زمینه‌ای می‌کند که می‌تواند الگوی تعریف شده را دچار اعوجاج و تغییراتی بکند.

الگوی نظری اتخاذشده در این پژوهش ضمن پذیرش رویکرد اول سعی در این داشته است که با ایجاد تمایز کلی میان نیازهای «فردی-روانی» و «اجتماعی» هرکدام از این دسته نیازها را در بستر متجانس‌تر مورد بررسی و مقایسه قرار دهد. البته اینکه مرز

میان امر «فردی-روانی» و «اجتماعی» چیست شاید کماکان یکی از چالش‌های جدی جامعه‌شناسی باشد و نیازمند نظریه‌پردازی‌های عمیق. از این رو در تشخیص و تمییز این دو گونه کلی نیازها، این پژوهش از دلالت‌های نظری رویکردهای موجود فراتر نرفته است؛ اما به نظر می‌رسد که بتوان پیش‌بینی کرد که نیازهای اجتماعی با توجه به هویت اجتماعی و برساخته‌شان نسبت به نیازهای فردی-روانی می‌بایستی از تاثیرپذیری بیشتری از متغیرهای زمینه‌ای برخوردار باشند و اتفاقاً یکی از نکات بسیار بارز در این پژوهش نیز، تفاوت قابل توجهی می‌باشد که بین معنی‌داری روابط بین نیازهای اجتماعی با متغیرهای مستقل زمینه‌ای و معنی‌داری روابط بین نیازهای فردی و روانی با متغیرهای مستقل زمینه‌ای وجود دارد. ارتباط بین نیازهای اجتماعی با متغیرهای مستقل زمینه‌ای در بیشتر موارد معنی‌دار می‌باشند و این در حالی است که روابط بین نیازهای فردی و روانی با متغیرهای مستقل زمینه‌ای برعکس نیازهای اجتماعی در بسیاری از موارد معنی‌دار نمی‌باشند. این امر نشان‌دهنده آن است که مسیری که بین مطالعات اکتشافی و بهره‌برداری از نظریات موجود برای تمایزگذاری در زمینه نیازها طی شده تا حدود زیادی درست و صواب بوده است. تفصیل معنی‌داری نتایج مذکور و روابط و نتایج مهم به‌دست آمده در سطور بعدی با جزئیات بیشتری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

همانطور که اشاره شد نیازهای اجتماعی تا حدود زیادی در تعامل و مناسبات افراد با دیگران و در خلال جامعه‌پذیری افراد شکل می‌گیرند. مطالعات بسیار زیادی تاثیر متغیرهای زمینه‌ای چون سن، میزان تحصیلات، پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده، سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی را روی جامعه‌پذیری‌های متفاوت افراد ... به اثبات رسانیده‌اند. جامعه‌پذیری فرد مستقیماً روی مطالبات اجتماعی، اولویت‌ها و ارزش‌های فرد در زندگی اجتماعی وی تاثیر می‌گذارد. با توجه به همین امر می‌توان تا حدود زیادی میزان تاثیرپذیری بیشتر نیازهای اجتماعی از متغیرهای زمینه‌ای را نسبت به

نیازهای فردی و روانی که بیشتر ریشه در مسایل فطری و غرایز افراد دارند و با میزان کمتری در جریان فعالیت‌های اجتماعی تحت تاثیر قرار می‌گیرند، توجیه کرد.

از میان متغیرهای مستقل زمینه‌ای، سن با نیازهای فردی و روانی دختران روابط معنادار بیشتری را نشان می‌دهد و احساس نیاز به تعداد بیشتری از نیازها با تغییرات این متغیر، تغییر می‌کند. سرمایه فرهنگی و پایگاه اقتصادی خانواده پاسخگویان نیز به ترتیب بعد از سن، در مورد تعداد بیشتری از نیازها، تغییرات میزان احساس نیاز دختران به نیازهای گوناگون را نشان می‌دهد. در مورد نیازهای اجتماعی دختران نیز تاثیر تغییرات سن و سرمایه فرهنگی روی تعداد مساوی از نیازهای اجتماعی دختران مشهود است. در کل می‌توان گفت که سن (مقطع تحصیلی) دختران با نیازهای بیشتری از آنها رابطه معنی‌دار دارد و متغیر پایگاه اقتصادی خانواده پاسخگویان نیز کمترین تاثیرگذاری را روی تغییرات میزان احساس نیاز دختران به نیازهای گوناگون را نشان می‌دهد. با توجه به تاثیرگذاری و مشهود بودن اثر سن روی نیازهای دختران باید برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی دقیق و متناسبی با هریک از مقاطع تحصیلی دختران و با توجه نیازهای مخصوص به هر دوره در نظر گرفته شوند.

از میان نیازهای فردی-روانی و اجتماعی پاسخگویان، نیاز دختران به آزادی، کفایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی با هر سه متغیر زمینه‌ای سن (مقطع تحصیلی)، پایگاه اقتصادی خانواده و سرمایه فرهنگی پاسخگویان رابطه معناداری را نشان می‌دهند. در مورد نیاز دختران به آزادی، میزان همبستگی این نیاز با متغیر با سرمایه فرهنگی بیشترین مقدار را نشان می‌دهد. میزان همبستگی این نیاز با متغیر پایگاه اقتصادی خانواده نسبت به دو متغیر دیگر سن و سرمایه فرهنگی پاسخگویان مقدار کمتری را نشان می‌دهد. همبستگی میزان تغییرات احساس نیاز به مشارکت اجتماعی با متغیر سن بیشترین مقدار بوده و متغیرهای سرمایه فرهنگی و پایگاه اقتصادی پاسخگویان در مراتب بعدی قرار دارند. در مورد نیاز نوجوانان دختر به کفایت اجتماعی نیز سن،

پایگاه اقتصادی خانواده و سرمایه فرهنگی پاسخگویان به ترتیب تغییرات بیشتری از میزان احساس نیاز پاسخگویان را تبیین می‌کنند.

انحراف معیارهای بدست آمده برای نیازهای مورد بررسی حاکی از آن است که مطالعات اکتشافی پیشین در اتخاذ جهت‌گیری مناسب در این پژوهش کاملاً راهگشا بوده است، به طوری که در مورد غالب نیازها، انحراف معیار کمتر از یک واحد بوده است که نشانگر متمرکز بوده داده‌های بدست آمده در این پژوهش می‌باشد. همچنین لازم به ذکر است که در سطح اطمینان مربوط به ضرایب محاسبه شده، یعنی سطح اطمینان ۵٪، ضرایب تائوبی، گاما و اسپیرمن در معنی‌داری و عدم معنی‌داری از الگوی یکسانی پیروی می‌کنند.

محدودیت‌ها و پیشنهادات تحقیق

یکی از مشکلات همیشگی در کشور ما، در پژوهش‌های بر روی دانش‌آموزان نوجوان، دشواری دستیابی به پاسخ‌گویان به‌خاطر سخت‌گیری ادارات آموزش و پرورش در صدور مجوزهای لازم می‌باشد. این سخت‌گیری‌ها وقتی موضوع مورد مطالعه، دختران نوجوان باشند، دوچندان می‌شود. برای فائق آمدن به این مشکل در این پژوهش سعی گردید تا در گام اول با مدیران مدارس مدنظر جلساتی ترتیب داده شود، تا در آن‌ها ضمن معرفی اهداف این پژوهش، دستاوردهایی که چنین پژوهشی می‌تواند دربرداشته باشد نیز گوشزد شود. این جلسات در بسیاری از موارد در جلب همکاری مدیران مدارس برای فراهم آوردن شرایط لازم برای توزیع پرسشنامه موثر افتاد. در برخی مدارس حتی با همکاری مستقیم مدیریت مدرسه و مربیان تربیتی امکان مصاحبه در قالب گروه‌های تمرکز با نوجوانان دختر فراهم آمد که با توجه به اقتضائات چنین پژوهشی از مصاحبه‌گر خانم برای مدیریت این مصاحبه‌های گروهی استفاده گردید.

آگاه ساختن پاسخ‌گویان نوجوان به اهمیت و ابعاد موضوع برای همکاری جدی و پاسخ‌گویی دقیق از دیگر مشکلاتی بود که می‌توانست در این زمینه وجود داشته باشد. با آگاهی یافتن دختران نسبت به این امر که دستاوردهای این پژوهش در ساخت بازی رایانه‌ای به‌کار بسته می‌شوند، به جدیت و علاقه آن‌ها در پاسخگویی به سوالات می‌افزود. در این زمینه علاوه بر توضیحات لازم ارائه بخشی از پیشرفت‌های فنی پروژه ساخت بازی در زمینه انیمیشن و شخصیت‌ها بسیار موثر بود به‌گونه‌ای که حتی از انجام چنین پژوهشی قدردانی نیز می‌شد.

نباید از نظر دور داشت که پاسخ‌گویان را دختران ۹ تا ۱۸ سال تشکیل می‌دادند؛ از این رو سوالات در پرسشنامه باید به‌گونه‌ای طراحی می‌شدند که ضمن اختصار برای این گروه سنی قابل فهم نیز باشند. تنظیم این گویه‌ها یکی از مراحل بسیار دشوار این پژوهش بود ولی با وجود دقت به‌کار بسته‌شده در این زمینه، سوالات و بخش‌هایی از پرسشنامه که به‌نظر پیچیده‌تر می‌رسیدند، به پاسخ‌گویان به‌ویژه نوجوانان دختر کم‌سن و سال‌تر با حوصله توضیح داده می‌شد.

در نهایت پیشنهاد می‌گردد، با توجه به اینکه این پژوهش در سطح مدارس تهران انجام پذیرفته است، پژوهش‌های متناسبی در سایر شهرها نیز انجام پذیرد. ویژگی‌های خاص دختران نوجوان در پایتخت به‌دلیل ویژگی‌های خاص شهری تهران به‌نظر می‌رسد در برخی موارد تفاوت‌هایی را نسبت به دختران نوجوان سایر شهرها نشان دهد. بررسی این تفاوت‌ها و همچنین برنامه‌ریزی متناسب فرهنگی-بومی با این اقتضائات می‌تواند تا حدود زیادی راه‌گشای برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تربیتی در این زمینه و به‌ویژه حوزه اوقات فراغت باشد.

با توجه به نتایج پژوهش که حاکی از آن‌اند نیاز دختران نوجوان به اعتماد نهادی و اعتماد عمومی در صدر نیازهای اجتماعی قرار دارد، به‌نظر می‌رسد که استراتژی‌ها و برنامه‌های موجود در زمینه کنترل دختران نوجوان از آسیب‌های اجتماعی به شیوه‌ای مناسب اعمال نمی‌گردند تا جایی‌که آن‌ها خود را در این زمینه در تنگنا می‌بینند.

پیشنهاد می‌شود مطالعاتی در زمینه نرم بودن و ایجابی شدن برنامه‌های کنترل آسیب‌های اجتماعی برای دختران تدوین و در سطح نهادی مانند مدارس و البته آموزش خانواده‌ها نیز انجام پذیرد.

منابع

- آناستازی، الست. (۱۳۶۱)، *روان‌آزمایی*، ترجمه: محمدتقی براهنی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اسماعیلی، رضا؛ ربیعی، کامران. (۱۳۸۷)، «تحلیلی بر نیازهای فرهنگی - اجتماعی دختران نوجوان»، *مجله مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۴۱.
- الوانی، سیدمهدی. (۱۳۷۰)، «مقاله‌هایی درباره مبانی رفتار سازمان و انگیزش»، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- اصنافی، امیر. (۱۳۸۸)، «نیازسنجی مفهومی اساسی در علوم اجتماعی»، *مجله رشد علوم اجتماعی*، دوره دوازدهم، شماره ۴.
- جمعی از مؤلفین. (۱۳۸۰)، *مکتب‌های روان‌شناسی و نقد آن*، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، جلد اول.
- حمیدی، فریده. (۱۳۸۴)، «بررسی مقایسه‌ای نیازهای جسمانی، عاطفی، اجتماعی و مذهبی نوجوانان مناطق محروم براساس جنسیت»، *مجله پژوهش زنان*، شماره ۲.
- خمسه، سمیرا؛ رضائیان، مجید. (۱۳۸۶)، «بررسی نیازهای فرهنگی مردم شهر کرج در سال ۱۳۸۶»، *مجله رهپویه هنر*، شماره چهارم.
- رفعت‌جاه، مریم؛ رشوند، مرجان؛ شیهدی زندی، مریم. (۱۳۸۹)، «تبیین جامعه‌شناختی فعالیت‌های فراغتی دختران جوان»، *مجله مطالعات راهبردی زنان*، سال سیزدهم، شماره ۵۰.

- زتومکا، پیوتر. (۱۳۸۶)، *اعتماد نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه: غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه.
- شاملو، سعید. (۱۳۸۲)، *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*، تهران: انتشارات رشد.
- شفیعی، سمیه سادات. (۱۳۸۹)، «سیاست‌های فرهنگی دولت و الگوهای سبک زندگی دختران»، *پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی*، استاد راهنما: دکتر محمدسعید ذکایی، استاد مشاوره: دکتر محمدحسین پناهی و دکتر ابوتراب طالبی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.
- صدیق سروسنانی، رحمت‌الله؛ حبیب‌پور کتابی، کرم. (۱۳۸۶)، «بررسی نیازهای اجتماعی، فرهنگی و آموزشی دختران دانش‌آموز سراسر کشور»، *مجله پژوهش زنان*، دوره ۵، شماره ۳.
- فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۷۵)، *نیازسنجی در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی*، تهران: انتشارات اداره کل تربیت معلم و آموزش نیروی انسانی.
- فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۵)، *نیازسنجی پژوهشی؛ مساله‌یابی پژوهشی و اولویت‌بندی طرح‌های تحقیقاتی ویژه مدیران و کارشناسان واحدهای پژوهشی*، تهران: نشر آبیژ، چاپ اول.
- کونتر، هارولد؛ اودانل، سیریل؛ ویریچ، هینز. (۱۳۸۴)، *اصول مدیریت*، ترجمه: محمدهادی چمران، تهران: دانشگاه صنعتی شریف، موسسه انتشارات علمی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶)، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- لاپتن، دبورا. (۱۳۸۰)، *بیم مدرنیزاسیون تاملی*، ترجمه: مریم رفعت‌جاه، تهران: ارغنون شماره ۱۸.
- مقیمی، سیدمحمد. (۱۳۹۰)، *مبانی سازمان و مدیریت*، تهران: راه‌دان.

بررسی نیازها، علایق و اولویت‌های دختران ... ۱۰۷

- هرسی، پال؛ بلانچارد، کنت. (۱۳۸۹). *مدیریت رفتار سازمانی: کاربرد منابع انسانی*، ترجمه دکتر علی علاقه‌بند، تهران: امیرکبیر.

- هزارجریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا. (۱۳۹۱). *آناتومی رفاه اجتماعی*، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.

- Alderfer, Clayton P. (1969). "*An empirical test of a new theory of human needs*." *Organizational behavior and human performance*, 4.2.
- Bennett, Andy & Harris, Keith Kahn, (2004) *After Subculture: Critical Studies In Contemporary Youth Culture*, Palgrave Macmillan.
- Bradshaw, J. (1972). "The Concept of Social Needs", in: *Quality Journal of Social Services*, No. 3, New Society.
- Costanza, Robert, et al. (2007). "*Quality of life: An approach integrating opportunities, human needs, and subjective well-being*". *Ecological economics*, 61.2.
- Featherstone, M. (1991). *Consumer Culture and Postmodernism*. London: Sage.
- Maslow, Abraham Harold; Frager, Robert; Fadiman, James (1970). "*Motivation and Personality*", Vol. 2, New York: Harper & Row.
- Max-Neef, Manfred; Elizalde, Antonio; Hopenhayn, Martin (1992). "*Development and human needs*", *Real-Life Economics: understanding wealth creation*, edited by: Ekins, P. and Max-Neef, M., Routledge, London.
- Murray, H. A. (1938). "*Explorations in personality*", New York: Oxford University Press.
- Roger A., Kaufman; English, Fenwick W. (1979). "*Needs assessment: Concept and application*", Educational Technology publication.

۱۰۸ فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۸، بهار ۹۳

- Scriven, M. (1975). "*Needs Assessment: Concept and Practice*", New Direction for Program Evaluation, The Falmer Press.
- Suarez, T. M. (1991). "*Need Assessment Studies*", International Encyclopedia of Curriculum. Pergamon Press.

منابع الکترونیکی:

- [http://roshd.ir/Default.aspx?tabid=361&SSOReturnPage=Check&Rand=0\(1392\)](http://roshd.ir/Default.aspx?tabid=361&SSOReturnPage=Check&Rand=0(1392))
- <http://tnews.ir/پارسینه/C58F17477378.html#> - تعداد-دانش-آموزان-تهرانی-چقدر - (1392) است؟